

پیشنهادی برای همگرایی کمونیست های انقلابی

خوشبختانه پس از برگزاری تظاهرات روز قدس، تعداد زیادی از نیروهای «کمونیست» و فعالان کارگری ای که در آغاز مبارزات مواضع بغایت انحرافی نسبت به مبارزات مردمی گرفته بودند و منشاء و منبع آن را به انتخابات و رقابت جناح های هیئت حاکمه نسبت می دادند، به خود آمده و به مواضع اصولی تری سر خوردند. البته باید در نظر داشت که پس از یک ماه و دو هفته سکوت (از تظاهرات "اعتماد ملی" تا "روز قدس")، جنبش مردمی در جمع بندی از اقدامات موج اول مبارزات (از 23 خرداد تا تظاهرات "اعتماد ملی") به شعارها و شیوه ی مبارزاتی قاطعانه تری دست یافته بود که دیگر کسی نمی توانست آن را به رهبران اصلاح طلب حکومتی نسبت دهد. اما، دلیل آن هر چه که می خواهد باشد، مهم این است که پس از گذشت چند ماه، مبارزات انقلابی مردمی توانسته است عناصر و گروه ها و سازمان های عقب مانده تر را نیز بسوی خود جذب کند.

گفتیم «عقب مانده تر» به علت اینکه این دوستان همواره دنباله روی جنبش خودبخودی هستند و نه پیشتازان آن. به یاد داریم که تا قبل از آغاز مبارزات انقلابی مردمی یا همین عده از گروه ها و سازمان های «کمونیست» بحث جنبش صنفی و سیاسی طبقه کارگر را داشتیم. ما در دومین شماره «بسوی انقلاب» در جمع بندی از مباحث و درگیری های نظری با این جماعت نوشتیم: «زمانی دومین شماره "بسوی انقلاب" را منتشر می کنیم که برخی از خوانندگان و فعالان سیاسی می پرسند: زمانیکه چندین نشریه از این نوع هم اکنون منتشر می شوند هدف و انگیزه ما از انتشار آن چه می باشد؟ اولاً ما معتقد نیستیم که نشریاتی از قبیل "بسوی انقلاب" منتشر می شوند. در حقیقت به علت خالی بودن جای چنین نشریه ای در محافل کارگری و انقلابیون کمونیست تصمیم به انتشار آن گرفتیم. محتوای تمامی نشریاتی که تا کنون از طرف کمیته های فعالان کارگری منتشر می شدند، بدون استثنا، سطح جنبش کارگری را در مبارزات محدود به واحدهای صنفی و خواسته های شغلی ارزیابی می کنند و هدف خود را ارتقا این مبارزات به تشکیل تشکلات و سازمان های مستقل و آزاد کارگری قرار داده اند. به همین علت است که صفحه های خود را تنها با اخبار این مبارزات و مقالات مداح مبارزات خودبخودی پر می کنند. اما، هیئت تحریریه "بسوی انقلاب"، ضمن هم عقیده بودن در سطح کنونی جنبش کارگری، هدف خود را ارتقا این مبارزات به مبارزه یک طبقه انقلابی علیه حکومت و نظام سرمایه داری تعیین کرده و بر همین پایه به تبلیغ و ترویج خط مشی کمونیستی، و برنامه انقلابی پرولتاریا پرداخته است. ما نیز معتقدیم که در حال حاضر، اتحاد کارگران حول محور خواسته های صنفی واحد های اشتغالشان شکل می گیرد. اما برداشت ما از مبارزات طبقه ای پرولتاریا، سراسری شدن چنین مطالبات و مبارزاتی در این محدوده نیست. از نظر ما هنگامی مبارزه کارگران به مبارزه یک طبقه ارتقا می یابد که کارگران، علاوه بر سازماندهی صنفی منطقه ای و سراسری، به تشکلات سیاسی آگاه به نقش و موقعیت تاریخی طبقه کارگر دست یابند.» (چرا بسوی انقلاب؟)

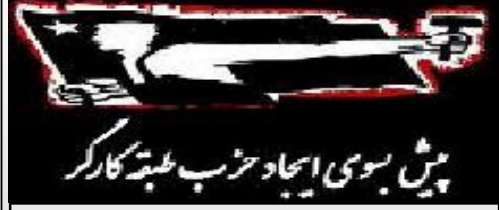
بله! ایشان در زمانیکه کارگران به مبارزات صنفی روی آورده بودند، هدف خود را سازماندهی همان مبارزات خودبخودی گذاشته بودند. اینک که مبارزات خودبخودی، بدون کمک ایشان به سطح سیاسی و انقلابی روی آورده است، ایشان نیز البته پس از چند ماه تأخیر، خود را به مردم رسانده و به دنبالان سیاسی و انقلابی شده اند.

ما در اینجا نظرمات این نیست که روی آوری ایشان را به فعالیت سیاسی و انقلابی بی اهمیت نشان داده و نقشی برایشان قائل نشویم. بنظر ما جنبش کمونیستی در شرایط بسیار بدی قرار دارد که هر کمک و یاری ای را مثبت ارزیابی می کند. شاید اینک با روی آوری ایشان به مبارزات سیاسی و انقلابی بتوانیم پس از مدتی شاهد تقویت طیف سرخ در این مبارزات باشیم. اما مشکل ما این است که نیازها و ضرورت ها و معضلات جنبش کارگری و مبارزه طبقه ای، نمی تواند منتظر ایشان بایستد و بصورت روزمره فشارهای خود را بر بدنه ی فعال جنبش کمونیستی بیش از روز قبل تشدید می کند. دیدیم که به علت عدم پاسخگویی جنبش کمونیستی به نیاز تربیت و پرورش فعالان انقلابی کارگری، از طریق کار سیاسی و نظری در میان کارگران هنگام مبارزات صنفی شان، با ورود مبارزات مردمی به شرایط انقلابی، ضرورت وجود چنین فعالانی با شدت بیشتر خود را تحمیل می کند و با نبود چنین قشری از کارگران، فاصله ی عمیقی را بین کمونیست ها و نیازهای جنبش کارگری بوجود آورده است. به همین ترتیب نیز اینک ضرورت حضور مستقل طبقه کارگر و اعمال رهبری آن بر جنبش انقلابی توده ها نیاز به اتحاد کمونیست ها و قشر انقلابی و آگاه کارگران حول برنامه و آلترناتیو مستقل کارگری برجسته تر شده است. اما بازم نیروهای یاد شده، فرسنگ ها با پاسخگویی به چنین نیازی فاصله دارند. درست است که تقریباً تمامی آنانی که امروزه با بیانیه و اعلامیه های خود جنبش کارگری را به شرکت فعال و مستقل در مبارزات انقلابی مردمی دعوت کرده و نقش تاریخی رهبری آن را در متون خود لحاظ می کنند، اما هیچگونه آلترناتیو مستقلی را در برابر توده های کارگری و جامعه ارائه نمی دهند. تنها تعداد بسیار معدودی از ما کمونیست ها هستیم که در برنامه ی خود، استقرار حکومت شوراهای را بعنوان آلترناتیو مستقل طبقه کارگر مطرح کرده و تبلیغ می کنیم. که بدون داشتن چنین برنامه و آلترناتیو مستقلی، صحبت از حضور مستقل طبقه کارگر در مبارزات و ایفای نقش رهبری در آن، بقول عوام، چیزی جز تعارف «شاه عبدالعظیمی» نیست.

همچنین، موانع بسیار بزرگ دیگری نیز در مقابل جنبش کمونیستی وجود دارد که آن را از ایجاد وحدت لازم برای اجرای وظیفه ی خود و نتیجتاً، طبقه کارگر را از اجرای نقش تاریخی اش باز می دارد. اما این موانع بیش از آنکه از طرف حاکمیت سرمایه داری جلوی ما قرار گرفته باشد، محصول دگماتیسم (تجزی گرایی) و سکناریسم (فرقه گرایی) همین دوستان است. می بینیم که این دوستان در عوض اینکه با دیدی واقع بینانه و صادقانه جایگاه خود را در جنبش کمونیستی مشخص سازند، هر یک خود را «حزب» و تنها نماینده ی راستین طبقه کارگر دانسته که دیگران باید به دنبالش روانه شوند. در صورتیکه در عینیت جامعه، تمامی ایشان، خود، دنباله روان جنبش خودبخودی بوده اند.

پس می بینیم که صرفاً، سر خوردن ایشان به مواضع جدید راه حل بحران کنونی جنبش کمونیستی

بسوی انقلاب



شماره بیست و چهارم، سال اول، بیستم آبان ماه ۱۳۸۸

گاهنامه سیاسی تبلیغاتی کارگران کمونیست ایران

در این شماره می خوانید

سرمقاله:

* پیشنهادی برای همگرایی کمونیست

های انقلابی

* آیا جمهوری شورایی، یک رویا

است؟ - احمد فارسی

به مناسبت سالگرد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷

* انقلاب ۱۹۱۷ اکتبر: وقوع انقلاب

پرولتری ضرورتیست اجتناب ناپذیر!

خبرهای کوتاه:

* ادامه خبرهای ۱۳ آبان و چند خبر

کارگری

گزارشات و تحلیل ها:

* سیزده آبان، یک گام تا سنگر بندی

خیابان ها - فرهاد رها

* پیام سیزدهم ندای سرخ: جمع بندی

از ۱۳ آبان و پیشنهاد برای ۱۶ آذر

* آیا می دانید رقابت در هرم قدرت

بر سر چیست؟ - ن. ن.

نمی باشد و ایشان باید صادقانه به ضعف های نظری خود برخورد کرده و آنها را ریشه یابی کنند. آنها باید ببینند باور به کدام «شاه تئوری» ای در زنجیره ی نظری شان است که باعث دنباله روی و اقدامات کورانه ی آنها گشته است؟ و یا اینکه چه شیوه ای از باورمندی به شخصیت ها و رهبران مورد علاقه شان باعث ایجاد دگماتیسم و سکتاریسم در میان شان گشته است؟ و ...

اما همانطور که گفتیم ایجاد وحدت بین کمونیست ها بر روی برنامه و آلترناتیو مستقل طبقه کارگر چیزی نیست که بتوانیم آن را پشت گوش بیاوریم. بنظر ما، اینک نیروهای کمونیستی که به حضور مستقل طبقه کارگر در مبارزات انقلابی مردمی و لزوم ایفای نقش رهبری کننده ی آن برای ارائه آلترناتیو حکومت شورایی به جامعه معتقدند باید با برپایی کنفرانس هایی، سعی در دستیابی به برنامه ی مستقلی برسند. مسلماً وحدت کمونیست ها بر روی برنامه ی مستقل پرولتری برابر با ایجاد حزب طبقه کارگر نمی باشد، اما قدم بسیار مهمی در آن جهت است. بنظر ما، هسته ها و گروه های کمونیستی معتقد به حکومت شورایی، بعنوان تنها آلترناتیو انقلابی پرولتاریای ایران باید از هم اکنون به فکر برگزیدن نماینده و یا نمایندگانی از طرف خود و مهیا سازی امکانات مادی لازم باشند تا بتوانند در هنگام اعلام برگزاری کنفرانس های وحدت، آماده ی اعزام ایشان باشند. همچنین، رفقای خارج از کشور نیز به فکر تعیین و آماده سازی مکان مورد نیاز برای برگزاری کنفرانس و اقامت چند ماهه نمایندگان مذکور بر آیند. مسلماً تعیین زمان برگزاری این نشست ها و صدور فراخوان برای شرکت در آنها می بایستی توسط هسته ها و گروه هایی که در تماس با یکدیگر می باشند صورت پذیرد. مسلماً برای پذیرش و یا عدم پذیرش نمایندگان اعزامی در نشست ها، معرفی نامه ی آنها توسط گروه های برگزار کننده تا قبل از آغاز نشست ها مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

امیدواریم دیگر رفقا نیز به اهمیت برگزاری چنین کنفرانس هایی واقف بوده و در تلاش برای برگزاری آنان همت گمارند.

نان، مسکن، آزادی - حکومت شورایی!

کارگران کمونیست ایران

نیمه دوم آبان ماه 1388

آیا جمهوری شورایی، یک رویا است؟

احمد فارسی

در مبحث حکومت جمهوری شوراهای، بورژوازی سعی می کند تا آن را یک رویای دست نیافتنی معرفی کند. چرا که هیچکس نمی تواند بصورت واضح و روشن شکل حکومتی را نفی کند که به معنای واقعی دموکراتیک است. یعنی حکومتی که به تمامی افراد جامعه ابزار دخالت مستقیم در امور تصمیم گیری و اجرایی می دهد. البته با در نظر گرفتن قریب به چند هزاره زندگی در جوامع طبقاتی، تصور اینکه مساوات و برابری اجتماعی یک واقعیت است و نه یک رویا، بسیار مشکل است. اما، خوشبختانه دموکراسی آتن تا زمانی که بشریت به اختراع خط و تاریخ مکتوب رسید دوام آورد و تبدیل به یک نمونه تاریخی از چنین حکومتی شد. همچنین، با فروپاشی نظام فئودالی و بازگشت روابط سیاسی از روستاها به شهرها و از پراکندگی به تمرکز، و روابط اجتماعی از خودکفایی جمعیت ها به وابستگی جوامع به یکدیگر، نمونه های معاصر نیز پدیدار گشت که با مطالعه ی آنان می توان به این واقعیت پی برد که نه تنها چنین شیوه ای از حکومت واقعی است و رویایی نیست، بلکه، ظهور آن هنگام فروپاشی حکومت سرمایه داری، ناگزیر است.

ما در سلسله مقالات آموزشی خود در سه شماره گذشته مجله، مطلبی را از ریفیقی که در این مورد نوشته بود ارائه کردیم. در آن مطلب ریفیق ما با تشریح چند نمونه ی تاریخی از شرایط ظهور شکل شورایی اجتماعات مردمی و تکامل برخی از آنها به حکومت جمهوری شورایی از لحاظ علمی و تاریخی ادعای واقعی بودن چنین حکومتی را اثبات کرده بود. همچنین، با ارائه جمع بندی مارکس از کمون پاریس، روابط و ساختار و کارکرد چنین شکل حکومتی ای را توضیح داده بود. خوشبختانه اخیراً ترجمه فارسی منبع اصلی چنین جمع بندی ای از کمون پاریس، که گزارش کارل مارکس از «جنگ داخلی فرانسه» به انترناسیونال می باشد را رفقای «کمونیست انقلابی» در سطح اینترنت توزیع کرده اند. پس از لحاظ نظری و تاریخی ما با کمبود منابع روبرو نیستیم. اما، آنچه بورژوازی در ایران مشغول تبلیغ آن است، جدا از آنکه در مطبوعات راستگرا و لیبرال مطرح می شود، در نشریات و مقالاتی که ظاهر «چپ» بخود گرفته اند و بعضاً با طرح «سرنوشتی جمهوری اسلامی» خود را «انقلابی» معرفی می کنند نیز منتشر شده است. اگر بورژوازی لیبرال سخن از اتوپی بودن چنین شکلی از حکومت را در سراسر جهان می کند و وجود عدم مساوات و بی عدالتی را ابدی نشان می دهد، در عوض، نفودی های بورژوازی در جنبش کمونیستی ایران، با آوردن بهانه ها و ارائه نظرات انحرافی، امکان استقرار چنین حکومتی را در «شرایط مشخص» ایران نفی می کنند. در مورد مبارزه ایدئولوژیک و پاسخ به لیبرال های جهانی، جریان های نوپای کمونیستی ای در سراسر جهان شکل گرفته اند که همانند ما، برای استقرار حکومت شوراهای مبارزه می کنند و هر یک در محیط خود به افشای این ترفند تبلیغاتی بورژوازی مشغولند. ما نیز در حقیقت، بخشی از این جریان نوین کمونیستی هستیم که ظهورش نتیجه ی مبارزه ایدئولوژیک با خطهای رویزیونیستی مسلط بر جنبش کمونیستی در طول قرن بیستم و گسست از ایشان می باشد. ما نیز این وظیفه را در جامعه ی ایرانی به دوش گرفته ایم. اما خود را بسیار خوش شانس تر از دیگر رفقا در سطح جهانی می دانیم. چرا که اگر در اکثریت نقاط جهان، رفقای ما مجبورند صرفاً با تکیه به مباحث نظری، این مبارزه را جلو ببرند، ما در ایران صرفاً با یادآوری وقایع تاریخی در انقلاب 1353 تا 1357 توانایی مبارزه و خنثی سازی نظرات بورژوازی را داریم. پس، بدون آنکه وارد پلومیک مستقیم با ایشان گردیم، به اثبات ادعای خود خواهیم پرداخت.

در روند اعتلایی جنبش انقلابی مردم ایران در سال 57، این جنبش به نقطه ای رسید که برای همگان عدم سازش با حکومت ارتجاعی پهلوی مسجل گشت. برخی این نقطه را واقعه ی میدان ژاله و کشتار خونین مردم در آن واقعه می دانند. به هر حال پس از این واقعه شعار «مرگ بر شاه» تبدیل به خواسته ی حداقلی عموم مردم شد. طبیعی بود که طبقه سرمایه دار نیز به این واقعیت پی ببرد و به اینکه روزهای اقتدار حکومت پهلوی به سر آمده است و دیگر نمی تواند حافظ مالکیت و منافع ایشان باشد آگاه گردد. به همین علت، خارج ساختن سرمایه ها و ترک آن بخش از مالکیت شان که قابل انتقال نبود شتاب سرسام آوری یافت. به جزئیاتش وارد نمی شویم که ایشان چگونه در زد و بند با مسغولین بانک ها، در همان شرایط وام های هنگفت و درازمدتی را ابداع کرده و آنان را تبدیل به ارز و سرمایه های منقول نموده و با خود از کشور خارج کردند، اما نتیجه ی آن، یعنی وجود کارخانه ها و شرکت هایی که صاحبان و مدیران تراز اول شان به خارج فرار کردند و سرمایه های غیر منقولشان را «بی صاحب» گذاشتند برای مبحث ما بسیار مهم است. چرا که، در چنان شرایطی، کارگران و دیگر کارکنان آن واحدهای اقتصادی، برای گذران زندگی خود، چاره ای جز تشکیل نهادهای جمعی برای تعیین تکلیف برای آن مراکز و زندگی خود نداشتند. این اجتماعات در مراکز اقتصادی، شکل اولیه ای برای ایجاد شوراهای کارگری در ایران سال

1357 بود.

همچنین، باز هم به علت روند پیگیرانه ی انقلاب مردمی، بخصوص با حضور شوراهای کارگری در این مبارزات، توازن قوا به صورت محسوسی به نفع انقلاب چرخید و حکومت پهلوی، روز به روز ضعیف تر و در اداره کشور ناتوان تر می گشت. تا اینکه بالاخره در 21 بهمن 1357 با تهاجم مردم به پادگان ها و خلع سلاح حکومتی و مسلح شدن مردم، حکومت پهلوی از هم پاشید و همراه آن، بخشی از وظایف حکومتی ایکه حافظ امنیت مناطق و محلات نیز می شد، ناپدید گشت. در آن زمان حکومت موقت بازرگان - خمینی، جز نام بر دهان مردم و مطبوعات و ادعاهای خودشان چیزی نبود. پس، زمانیکه پس مانده های گروه های ساواکی و نظامی پهلوی نیز جزو اشعار گشته و هر یک گروهی مسلح را برای تاراج مردم به دور خود جمع کرده بودند، برقراری نظم و امنیت محلی به دوش خود مردم افتاد. آنها نیز با تشکیل کمیته های محلی، فرزندان خود را مسلح کرده و راه های ورودی و خروجی محلات و شهرهایشان را سنگربندی نموده و امور محلی و شهری خود را بدست گرفتند. این «کمیته ها»، هنگام ظهورشان، در حقیقت همان شوراهای محلات و مناطق بودند. بدینصورت که مردم داوطلب محله و منطقه برای تصمیم گیری به دور خود جمع شده و کارها را تقسیم نموده و اجرا می کردند. هیچ نهاد متمرکز مسلحی هم در مقابلشان نبود تا بتواند اراده ی ایشان را خنثی ساخته و یا سرکوب کند. به همین صورت، با مسلح شدن شوراهای کارگری و سنگربندی مراکز اقتصادی، بدون آگاهی مردم از ماهیت اقداماتشان، عملاً، حکومت جمهوری شورایی متولد گشت. حکومت جمهوری شورایی، می تواند بر مبنای ضرورت مبارزه طبقاتی شکل بگیرد و نیازی به عنصر آگاهی نداشته باشد. این اصل بسیار مهمی درباره موضوع بحث کنونی ماست. بورژوازی همواره می خواهد نشان دهد که حکومت شوراهای چیزی نیست که بتواند شکل گیرد، چون «طبیعت بشری» مانع همکاری صادقانه افراد می شود و «زیاده طلبی و رقابت مردم» (کافر همه را به کیش خود پندارد) از ایجادش جلوگیری می کند. اما در واقعیت می بینیم که تولد حکومت شورایی، بصورت مطلق، اختیاری نیست که ایجادش به اراده ی افراد بخصوصی بستگی داشته باشد تا طبیعت «زیاده طلب و رقابتی شان» بتواند مانع ظهورش باشد. بلکه به وقوع پیوستن آن ناشی از منافع طبقاتی و ضرورت عینی مبارزه طبقاتی است که اراده ی جمعی طبقاتی آن را به شیوه ی جبری به افراد تحمیل می سازد. اما، آگاهی افراد به ضرورت و نقش تاریخی آن برای بقاء و تکاملش بسیار مهم و تعیین کننده است. آنچه که ظهور جمهوری شورایی در ایران سال 57 به بعد را بسیار مقطعی و لحظه ای ساخت، عدم آگاهی مردم، و بویژه طبقه کارگر به ضرورت تاریخی چنین شکلی از حاکمیت بود. عدم آگاهی مردم و توده های طبقه کارگر به نیاز تاریخی شان به استقرار حکومت شورایی نتوانست از تولد آن جلوگیری کند. اما، این عدم آگاهی، از بقاء، ثبات و تکامل آن به تنها حکومت انقلابی ایکه قادر است آزادی و دموکراسی را به مردم تقدیم و تضمین کند، باز داشت.

پس از فروپاشی حکومت پهلوی و اعلام حکومت موقت بازرگان - خمینی تا استقرار کامل جمهوری اسلامی، بیش از دو سال بطول انجامید. در طول این دو سال، هر چه حکومت مرکزی با ثبات تر شده و محدوده ی بیشتری را به زیر اقتدار خود می برد، به همان نسبت و در همان گستره، نهادهای حکومت شورایی منحل گشته و اختیارات و قدرت خود را به نهادها و سازمان های دولت مرکزی واگذار می کردند. این بدان علت بود که اصولاً هیچ ایده ای از حکومت شوراهای در میان مردم وجود نداشت. نیروهای کمونیستی ریز و درشت نیز در توهمات ایدئولوژیک رویزیونیستی و اپورتونیستی از «انقلاب دمکراتیک» و لزوم وحدت با «بورژوازی انقلابی»، باور به انقلابی و ضد امپریالیست بودن خمینی به مثابه ی نماینده خرد بورژوازی انقلابی و دمکرات بودند و از شناسایی نهادهای حکومت انقلابی شوراهای باز مانده بودند. آنها زمانی به فکر حفاظت و حمایت از این نهادها افتادند که تمامی کمیته های محلی از طریق مساجد محل، به زیر اقتدار حکومت بورژوازی رفته بودند و شوراهای محل اشغال نیز یا با دگردیسی اسلامی و یا به زور اسلحه و سرکوب در حال از هم پاشیده شدن قرار داشتند. در صورتیکه، اگر در طول مبارزات انقلابی و پس از سرنگونی حکومت پهلوی و بوجود آمدن فضای آزادی نسبی، نیروی واقعاً آگاه پرولتری حضور داشت و نهادهای انقلاب دمکراتیک، حکومت شوراهای، را شناسایی می کرد و مردم را نسبت به آن آگاه می ساخت، شاید تاریخ انقلاب و نتیجه ی آن به شکل دیگری نوشته می شد. دقیقاً به علت عدم حضور چنین عنصری از آگاهی، حکومت شوراهای، به جای مبارزه ای قاطع و قهرآمیز با بورژوازی برای تبدیل خود به تنها نیروی حکومتی، تبدیل به سرایدار حکومت بورژوازی گشت و جامعه را در صلح و آرامش نگاه داشت تا اینکه هرم قدرت بورژوازی بتواند بدون مانع و دردسر به بازسازی خود مشغول باشد.

از این بخش از بحث مان نتیجه می گیریم که، اگر مبارزات انقلابی مردم ایران به روند اعتلایی خود ادامه دهد تا قادر به سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی شود، ظهور نهادهای حکومت شوراهای در طول مبارزه نطفه بسته و هنگام ایجاد خلاء قدرت حکومتی، متولد خواهند شد. وظیفه ی ما، کمونیست هایی که به نقش تاریخی این شکل حکومتی واقف می باشیم، انتقال این آگاهی از طریق تبلیغ و ترویج عمومی آن به توده های مردم و بویژه، کارگری است تا این بار، با آگاهی به توانایی های آن، در عوض بازی کردن نقش سرایدار برای سرمایه داری، تبدیل به حکومتی انقلابی برای متحول کردن جامعه و گذار سوسیالیستی شوند. البته در عین حال، وظیفه ما تا فروپاشی حکومت سرمایه داری، مبارزه برای تضمین تداوم روند اعتلایی مبارزه انقلابی مردم و بویژه پرولتاریا برای انهدام کامل حکومت دیکتاتوری جمهوری اسلامی خواهد بود. وظیفه ای که در مقالات دیگر ما به آن پرداخته شده است و باز هم خواهد شد. اما در ادامه این سلسله از مقالات، در بخش بعدی نشان خواهیم داد که در روز پس از قیام سرنگون کننده ی مردم، استقرار کامل حکومت جمهوری شورایی چه امتیازاتی برای افشار و طبقات مردمی و طبقه کارگر خواهد داشت.

«بسوی انقلاب» هفته نامه سیاسی - تبلیغاتی

کارگران کمونیست ایران

maktabema@maktabema.net

تماس با ما:

http://www.maktabemarx.net

آدرس اینترنتی:

سیزده آبان، یک گام تا سنگر بندی خیابان ها

فرهاد رها

صبح روز 13 آبان میدان هفت تیر و خیابان های اطراف آن عملاً به صحنه جنگ و گریز مردم با نیرو های سرکوبگر حکومت تبدیل شد. علی رغم حضور سنگین نیرو های سرکوب هسته اولیه تظاهرات در میان دود گاز اشک آور و حملات وحشیانه مزدوران دیکتاتوری در میدان تشکیل و به سرعت مردمی را که برای پیوستن به تظاهرات در پیاده رو ها رفت و آمد می کردند به خود جذب کرد. حرکت اولیه تظاهر کنندگان که با رادیکال ترین شعارها همراه بود بلافاصله مورد حمله سنگین نیرو های گارد قرار گرفت و در اینجا بود که صحنه های بدیعی از جنگ انقلابی در یکی از خیابان های منتهی به میدان هفت تیر شکل گرفت. نیرو های سر تا پا مسلح گارد در یک سوی خیابان و توده مردم در سوی دیگر خیابان بودند. مردم همزمان با شعار مرگ بر خامنه ای شروع به پرتاب سنگ در پاسخ به شلیک نیرو های سرکوب کردند و برای چند دقیقه تمامی نیرو های گارد را وادار به عقب نشینی نمودند. در این زمان تنها افزوده شدن به نیرو های سرکوب بود که توانست صف اوانگارد مردم را عقب زده و توده مردم را برای چند لحظه پراکنده کند. اما این پایان کار نبود مردمی که پراکنده شده بودند به سرعت همسنگران و همزمان خود را در خیابان ها و کوچه های اطراف یافتند. توده مردم بعد از اینکه از میان باران شلیک گلوله های رنگی که با هدف شناسایی و دستگیری آنها به وسیله نیرو های لباس شخصی انجام می شد گذشتند، بر روی یکی از پل های خیابان همدیگر را یافته و در صف متحد شروع به حرکت کردند. هر لحظه بر تعداد تظاهر کنندگان افزوده می شد. تعداد زیادی از زنان و دختران که در چهره هر کدام از آنها می شد سیمای فراموش ناشدنی ندا اقا سلطان و ترانه موسوی را دید در ابتکاری شجاعانه با نشستن روی زمین راه عبور ماشین ها را بستند. به این ترتیب مانعی جدی در راه رفت و آمد نیرو های سرکوب ایجاد شد و در فضای ایجاد شده حداقل بیست هزار نفر از مردم برای قریب به یک ساعت به سر دادن شعار پرداختند: دست بزن، دست بزن این دولت رو پس بزن. خامنه ای قاتله، ولایتش باطله. سفارت روسیه، لانه جاسوسیه، زندانی سیاسی آزاد باید گردد و... پس از قریب به یک ساعت نمایش قدرت توده متحد و به جان آمده از خفقان و دیکتاتوری دوباره سیمای کراهت بار مزدوران جهل و استبداد اشکار شد که توانسته بودند خود را از خیابان های اطراف به صف متحد مردم در خیابان اصلی برسانند. جنگ و گریز دوباره شکل گرفت. سطل های بزرگ زباله به وسط خیابان آورده شد. تعدادی از جوانان مبارز با در دست گرفتن هر وسیله ای که پیدا می کردند سعی در دفاع از مردم در مقابل یورش سرکوبگران را داشتند. فکر سنگر بندی خیابان انگار در ذهن بسیاری از جوانان موج می زد. آیا زمان سنگر بندی خیابان ها فرانسیده است؟ پس از دقایقی مقاومت دوباره توده مردم بر اثر شدت وحشیگری نیرو های سرکوب پراکنده شدند تا بار دیگر در خیابان ها و کوچه های اطراف همدیگر را بیابند از آن پس جنگ و گریز به هر کوی و برزنی کشیده شد و صدای شعارهای رادیکال مردم از هر جایی به گوش می رسید.

تظاهرات 13 آبان نقطه عطفی در مبارزه انقلابی مردم ایران علیه حکومت دیکتاتوری جمهوری اسلامی بود. در این روز رادیکال ترین شعار ها توفنده از سوی مردم سر داده شد و جلوه هایی از سنگر بندی خیابانی که نوید روز های سرنوشت ساز انقلاب را می داد در مبارزات مردمی اشکار شد. بی گمان جنبش به مرحله برگشت ناپذیری رسیده است نه فقط به این دلیل که هر بار که به نظر می رسد که خاموش شده است توفنده تر از بار قبل خود را اشکار می کند، و نه فقط به این دلیل که با عمق و دامنه گسترده خود شکاف عظیمی را در طبقه حاکم ایجاد کرده است. بلکه بیشتر به این دلیل که هر روز بیشتر از روز قبل نیروی سرنوشت ساز طبقه کارگر را به صفوف خود جذب می کند. اعتراضات رو به رشد طبقه کارگر از اهواز گرفته تا سنندج و از شوش گرفته تا تهران وقتی که در متن بحران ساختاری سرمایه داری ایران قرار داده شود معنای قابل درکی خواهد یافت. در متن بحران ساختاری نظام سرمایه داری ایران و بر بستر مبارزات انقلابی کارگران، زنان و جوانان ایرانی شرایط هر لحظه به سوی تعیین تکلیف نهایی با دیکتاتوری سرمایه داری پیش می رود. اما سرنوشت جنبشی که آغاز شده است عمیقاً به آگاهی از این واقعیت بستگی دارد که سرنوشت دموکراسی در ایران در نهایت به سرنوشت مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه کلیت نظام سرمایه داری گره خورده است. طبقه کارگر اگر با پرچم مستقل طبقاتی خود وارد مبارزه علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی شود و پرچم راه حل کارگری را در مقابل راه حل های ارتجاعی دیگر طبقات بلند کند، آنگاه می توان امیدوار بود که سرانجام جنبش کنونی نه به شکل دیگری از دیکتاتوری طبقاتی بلکه به آزادی، برابری و رفاه برای توده ستمکشان جامعه ایران یعنی کارگران، زنان، جوانان و ملیت های تحت ستم بینجامد.

پیام سیزدهم ندای سرخ: جمع بندی از ۱۳ آبان و پیشنهاد برای ۱۶ آذر

13 آبان را پشت سر گذاشتیم. مهمترین دستاورد این نبرد استمرار روند جدایی مبارزات مردم از رهبری اصلاح طلب بود. با تبلیغات فشرده ای که اصلاح طلبان علیه روند رادیکالیزه شدن خواسته ها و شعارهای مردمی و شیوه ی مبارزات خیابانی با سرکوبگران حکومتی به راه انداخته بودند، اقدامات مردمی در تظاهرات 13 آبان را به نوعی ذهن کجی به آنها می توان تعبیر کرد. تمامی گروه های مردمی، باشعارهای مختلف، اما یکپارچه، عبور از حکومت دیکتاتوری جمهوری اسلامی را مطرح می کردند. این خواسته در قالب شعارهایی چون «مرگ بر دیکتاتور»، «مرگ بر خامنه ای»، «مرگ بر این دولت مردم فریب»، «استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی»، «مرگ بر اصل ولایت فقیه» و بالاخره «مرگ بر جمهوری اسلامی» اعلام شد. همچنین، برخورد مردم با نیروهای سرکوبگر نیز بسیار فاطعانه تر از آن بود که بتوان در چهارچوب تاکتیک «عدم خشونت» (بخوانید «تسلیم مطلق») اصلاح طلبان گنجانند.

با این اقدام، مردم مبارز ما هر گونه امکان سازش جناح های حکومتی از طریق سوء استفاده از مبارزات مردمی را غیر ممکن ساختند. چرا که به حکومتیان نشان دادند که رهنمودهای رهبران اصلاح طلب دارای هیچ نفوذی در ایشان نیست. بنابراین، سازش کودتاچیان و اصلاح طلبان نمی تواند بر مبنای به سکوت و سکون کشاندن مبارزات انقلابی مردم باشد. اینک جناح اصلاح طلب دو راه در مقابل خود دارد. یا باید بدون قید و شرط تسلیم نیروهای کودتاچی شود. و یا، به دنبال راه انقلابی مردم روانه شده و هر چه بیشتر از جناح های دیگر حکومتی فاصله بگیرد، البته، گذار اصلاح طلبان بدینصورت سیاه و سفید نخواهد بود و هر دو تمایل را در درون خود نشان خواهند داد. به احتمال بسیار قوی، جناح های نزدیکتر به هیئت حاکمه تسلیم قدرت خواهند شد و جناحی هم مجبور به پیروی از راه انقلاب مردمی می گردد. اما، بازهم در ذهن خود سازش با جناح حاکم را می طلبد. بنابراین، همچنان سعی خواهد کرد که جنبش انقلابی را به راهکارهای سازشکارانه تشویق کند. یکی از اقداماتی که امکان دارد ایشان به آن دست بزنند، محدود کردن تظاهرات آتی مردم در روز 16 آذر، روز دانشجو، به دانشجویان و دانشگاهیان می باشد. ما از هم اکنون باید تبلیغات گسترده ای را در جهت ارتقاء اعتراضات 16 آذر از یک مراسم صرفاً دانشجویی به روز دیگری در مبارزات سراسری مردم آغاز کنیم.

تاکتیک ۱۶ آذر چه باید باشد؟

در همین چند روزی که از ۱۳ آبان می گذرد، نیروهای مبارز مردمی آغاز به جمع‌بندی از آن نمودند. یکی از مسائل مهمی که اینک بین مبارزان مطرح است در مورد اتخاذ تاکتیک صحیح مبارزات خیابانی است. ایشان از خود سؤال می کنند که آیا تمرکز مبارزات به مناطقی محدود و از قبل اعلام شده کار عاقلانه ای است؟ مسلماً همانطور که تا کنون دیده ایم اتخاذ چنین تاکتیکی امکان تدارک و تمرکز نیروهای سرکوبگر حکومت دیکتاتوری جمهوری اسلامی را بیشتر خواهد کرد. دیده ایم که ایشان با شناخت از راه های مبارزاتی مانور های ضد شورش را در میان آکسیون ها برگزار می کنند و نیروهای خود را نسبت به ابتکارات مردم آگاه کرده و چگونگی خنثی کردن آن را آموزش می دهند. ما باید اعتراف کنیم که سازماندهی مرکزی نیروهای سرکوبگر به مراتب از ما بیشتر است و در چنین رو در رویی ای آنها دست بالا را خواهند داشت. اگر بخواهیم از همین الان چگونگی صف آرایی نیروهای سرکوبگر و مردمی را در روز ۱۶ آذر پیش بینی کنیم، خواهیم دید که با اتخاذ تاکتیک همیشگی، مردم ساعت و محل تمرکز و همچنین مسیرها را اعلام خواهند کرد. نیروهای سرکوبگر هم دانشگاه های اصلی را محاصره کرده و در خروج جمعی دانشجویان موانع سختی ایجاد خواهد نمود. طبق معمول اتوبوس ها را به میان خیابان آورده تا از اتصال صف های دانشجویی با مردم حامی ایشان جلوگیری کند. بدین ترتیب می تواند با گروه های چند هزار نفری و پراکنده مردم برخورد کرده و از شکلگیری جمعیت های غیر قابل کنترل جلوگیری کند. دیدیم که این کار را در روز ۱۳ آبان با موفقیت انجام داد و به رغم حضور میلیونی مردم در خیابان ها، آنها نتوانستند صف های خود را به مرتبط نموده و انسجام دهند.

ما در پیام های ماه های تیر و مرداد خود نسبت به اهمیت تعیین تاکتیک ها صحبت کردیم. اما در آن زمان هنوز بسیاری از مبارزان در توهم مردمی بودن اصلاح طلبان به سر می بردند و شاید آماده گوش کردن به حرف حساب را نداشتند. بنابراین برای دگر بار در این پیام سعی می کنیم تا نکاتی را در مورد «تاکتیک» های عملی مبارزات خیابانی تکرار کنیم؛ مهمترین نکته در تعیین تاکتیک، همگونی آن با استراتژی (هدف دراز مدت تر) است. مثلاً اگر هدف ما مانند اصلاح طلبان وادار نمودن هیئت حاکمه جمهوری اسلامی به دادن امتیازات محدودی به گروه خودمان بود، مسلماً مردم را تشویق می کردیم که هر روز، بصورت فشرده و متمرکز در مناطق حساس حکومتی جمع شوند و با نیروهای سرکوبگر درگیر شوند. چنین تاکتیکی حداکثر فشار را بر روی هیئت حاکمه می آورد تا برای حفظ دیکتاتوری خود حاضر به عقب نشینی محدودی در مقابل «خودی ها» بشوند تا از فروپاشی نظام شان و استقرار حکومت مردمی (دمکراسی) پرهیز نمایند. اما، این تاکتیک به درد نیروهای مردمی نمی خورد. همانطور که دیدیم قریب به دو ماه رهبران اصلاح طلب هر روز ما را به چنان نقاطی، مثل مقابل مجلس، دفتر ریاست جمهوری، یا بازار و ... می فرستادند، اما چیزی عاید مردم نکرد و نه تنها به دمکراسی نیانجامید، بلکه نیروها را فرسوده نمود و میدان ها را خالی کرد. استقرار دمکراسی، خواست محدودی نیست که یک هیئت حاکمه دیکتاتور بتواند به آن عقب نشینی کند. دمکراسی یک نظام سیاسی و حقوقی است که با تمرکز قدرت به دست چند گروه مافیایی خوانایی ندارد. بنابراین اگر بخواهیم چنین نظامی را در جامعه ی خود مستقر سازیم باید آن را جایگزین حکومت کنونی کنیم. اما، از هم پاشیدن سازماندهی حکومت مسلح و قدرتمندی که تمام امکانات مملکتی را در دست دارد، به این سادگی نیست که بتوانیم در کوتاه مدت به آن دسترسی پیدا کنیم. پس، استقرار دمکراسی هدفی نسبتاً دراز مدت است. نکته بعدی این واقعیت است که حکومت کنونی تداوم حکومت های استبدادی قبل از مشروطه و دیکتاتوری پس از آن می باشد. مهم نیست که آنها سلطنتی بودند و این یکی جمهوری است. مهم اینست که چنین تمرکز و سازماندهی حکومتی ریشه های صدها ساله دارد. ریشه های چنین حکومتی نه تنها در سازمان ها و ادارات و نیروهای سرکوبگرش، بلکه حتی در سنت ها و فرهنگ مردم ما گسترده شده است. بنابراین، ما باید تاکتیک هایی را اتخاذ کنیم که در مقطعی تمامی مردم این جامعه را در مبارزه درگیر کند. به دو علت: اول اینکه، درگیری اکثریت قریب به اتفاق مردم در درگیری های انقلابی و خیابانی، تجربه ی مستقیمی را در اختیارشان می گذارد که تنها از آن طریق قادر خواهند بود به پوسیدگی و فرسودگی نهادهای سنتی و فرهنگ های اجتماعی نهفته در طرز تفکر و زندگی خود آگاه گردند و نفس خود را از این زباله های تاریخی پالایش دهند. دوم اینکه، اصولاً نظام سیاسی و حقوقی دمکراسی بر مبنای سازماندهی اجتماعی و مردمی ای بنا می گردد که تمامی جمعیت جامعه در انجمن ها و سازمان ها و احزاب متشکل باشند. حکومت مردمی (دمکراسی) نیاز به قدرت سیاسی مردمی دارد. و اعمال چنین قدرتی تنها از طریق مردمان متشکل امکانپذیر است. پس، اتخاذ تاکتیک ما باید این نکات را در نظر داشته باشد. در غیر اینصورت ممکن است که ما در نبردی از میدان پیروز بیرونی بیاییم، اما مسلماً جنگ برای دمکراسی را نخواهیم برد. با در نظر گرفتن نکات بالا، یعنی دراز مدت بودن هدف و نیاز به درگیر سازی اکثریت قریب به اتفاق مردم، پیشنهاد ما به قرار زیر است: الف- «پس برای استقرار «دمکراسی» در ایران فردا، ما باید با اقدامات انقلابی خود، به انهدام و انحلال نهادهای حکومتی، و تشکیل دوباره ی نهادهای مردمی و مستقل از حکومت ها بپردازیم و جایگزین نهادهای حکومتی کنیم. یکی از ابتدایی ترین و مهمترین نهادهای مردمی که هم استفاده ی بلافاصله در پیشبرد مبارزات مردمی دارد و هم در درازمدت، تضمین کننده ی قدرت مردمی است، انجمن ها و یا کمیته های محلی است. اولین خصوصیت این انجمن ها اینست که بالقوه می تواند تمامی اهالی محل را متشکل کرده و ایشان را متحد و منسجم نمایند. البته این انجمن ها نیز، چون هر نهاد اجتماعی دیگری، باید آجر به آجر ساخته شوند و در همان روز اول، کامل زاده نمی شوند. این انجمن ها در طی مبارزات مردمی، معمولاً توسط آندسته از اهالی محل نطفه می بندند که «پار خیابانی» یکدیگر شده اند. به این شکل که با هم تصمیم می گیرند که به کدام فراخوان جواب مثبت بدهند، و برای اعتراض به کدام منطقه شهر بروند، چه وسایلی را با خود ببرند، و احیاناً تقسیم کاری بصورت طبیعی بین شان بوجود می آید. آنهائیکه به کامپیوتر و اینترنت دسترسی دارند، اعلامیه ها و نامه ها و اخبار را به گروه منتقل می کنند. آنهائیکه ماهواره دارند، خبرهای ماهواره را به دیگران می رسانند. یکی میخ میخرد، دیگری آب خوردن می آورد و آن یکی سرکه و ماسک و ...

اما، نباید فراموش کرد که این ترکیب، شکل نطفه ای نهاد محلی مردمی است. ما باید با حفاظت و حراست از این نطفه، قدم بقدم آن را به سن و سال بلوغ و قد و قامت کاملش برسانیم. این انجمن ها در شکل کامل خود، در بر گیرنده ی کلیه ی اهالی بالغ محل است که با همراهی و همراهی یکدیگر مسائل و مشکلات محل را بررسی کرده و برای حل آن تصمیم گیری می کنند. از آنجائیکه تمام مردم، به هر حال در منطقه ای زندگی می کنند، از طریق انجمن های محلی تمام اهالی یک مملکت متشکل شده و در تعیین سرنوشت خویش دخالت مستقیم خواهند کرد. همانطور که در طول انقلاب پیشین کردند. یعنی، تا قبل از آنکه نیروهای ارتجاعی، مردم را از طریق مذهب خواب کرده و کمیته های محلی را به زیر فرمان مسجد محل ببرند. به همین دلیل است که این انجمن ها، بنیادی ترین و واجب ترین نهاد مردمی هستند که با تشکیل آن، قدرت مردم به حدی می رسد که آزادی های دمکراتیک و فردی خود را تضمین کرده و مردم را برای مقابله با هر تهاجمی به حقوق شان توانا تر می سازد. به همین دلیل هم هست که عوامل حکومتی و سازشکاران از تشکیل و توسعه ی انجمن های محلی می ترسند و سعی می کنند با کم اهمیت نشان دادن این تشکلهای مردم را نسبت به اهمیت تشکیل شان خواب کنند. در همین تظاهرات های ۱۲ مرداد و تجربه مبارزه جوانان و اهالی محلات نازی آباد و جوانمرد و شهر ری دیدیم که چگونه از طریق همکاری اهالی محل می توان بر نیروهای حکومتی چیره شد و کمترین هزینه ها را پرداخت. تا الان حتی گزارش یک دستگیری هم از آن محلات نداشته ایم.

پس ایجاد ارتباط محلی و توسعه ی آن بسیار مهم است. در اولین پیام خود مزایای پیشبرد مبارزات محلی را گوشزد کردیم و نشان دادیم که چگونه در محله میدان توحید و ستارخان در ۱۸ تیر ماه، همه ی اهالی محل در مبارزات شرکت کردند و تمامی کوچه ها سنگربندی شد و مانند محله های نامبرده در بالا پلیس جرأت ورود به کوچه ها را نداشت و اهالی آن هر کاری که خواستند کردند و هر شعاری که خواستند دادند، بدون اینکه بازداشتی ای داشته باشند. اما، نقش این روابط محلی و تشکیل انجمن های محلی برای استقرار دموکراسی هم مهم است. یعنی ما در اقدامات انقلابی خود و پیشبرد مبارزاتمان علیه دیکتاتوری و ولایت فقیه، هم در حال نابود کردن ساختار و نظم جمهوری اسلامی هستیم و هم در حال ساختمان نظام و ساختار دموکراتیک می باشیم (پیام ششم، ۱۵ مرداد ۱۳۸۸) ب- «همانطور که گفتیم، تظاهرات های صیحگاهی در مناطق حساس حکومتی در شرایط حاضر که قشر وسیعی از مردم هنوز به مبارزات نپیوسته اند، به درد استقرار دموکراسی نمی خورد. بلکه تنها به درد اصلاح طلبانی میخورد که می خواهند با فشار بر نقاط حساس حکومتی آن را وادار به برداشتن یک قدم به عقب کنند. در صورتیکه استقرار دموکراسی نیاز دارد تا کلیه ابزار و آلات دیکتاتوری محو گردد و به جای آن نهادها و بناهای یک نظم نوین احداث شود. به همین جهت است که نیروهای مردمی و خواهان دموکراسی باید مبارزه را طولانی مدت تر در نظر بگیرند و گول حرف های اصلاح طلبان را که میگویند «با تعطیلی بازار همه چیز تمام است» و یا «با استعفای احمدی نژاد مبارزه به اهدافش می رسد» را نخورند. ما برای استقرار دموکراسی نیاز به درگیری تمامی جمعیت ایران در ساختمان نظام سیاسی و حقوقی دموکراتیک داریم. ما در پیام ششم خود توضیح دادیم که «دموکراسی» چیست و چگونه حاصل می شود. ما باید نهادهای مردمی، از قبیل «انجمن های محلی»، «انجمن های صنفی»، «احزاب سیاسی» و نهادهای دموکراتیک حمایت از حقوق کودکان، برابری زنان، و مذاهب و اقوام و ... را بنا کرده و با تشکل دهی و سازمان یافتگی خود و کل جامعه در این نهادها، قدرت سیاسی مردم را فزونی داده و «قدرت سیاسی و اجتماعی» را به منشاء آن، یعنی مردم، برگردانیم. همانطور که گفتیم، در چنین زمانیکه مبارزه با دیکتاتوری، جو و شرایط همگرایی را در میان ما بوجود آورده باید از آن استفاده کرد و خود و دیگران را تشویق به سازماندهی و ایجاد چنین نهادهایی نمود. چنین شرایط همگرایی ای اینک پس از گذشت ۳۰ سال، دوباره ظاهر گشته است و اگر از این موقعیت استفاده نکنیم، معلوم نیست چند دهه ی دیگر را باید زیر تحمل استبداد و دیکتاتوری بگذرانیم. ما در پیام های خود در مورد یک یک این نهادها صحبت کرده و پس از توضیح ساختار و جای مشخص ایشان در نظام دموکراتیک، راه هایی را برای چگونگی ایجادشان پیشنهاد خواهیم کرد. اما در پیام گذشته توضیحی در مورد «انجمن های محلی» و ساختار ایشان دادیم که اینک پیشنهاد مشخصی را خدمتتان عرضه می کنیم. اینک در محله ها مردم در دو سطح از مبارزه فعال شده اند. اول، «پاران خیابانی» که باهم تصمیم می گیرند که در کدام منطقه و ساعت جمع شوند و همانطور که گفتیم تقسیم کار کوچکی هم بین خود می کنند. دوم، همسایه هایی هستند که در این مبارزات، هنوز پایشان به خیابان باز نشده است، اما هر شب بر روی پشت بام های خود آمده و در «شعارهای شبانه» شرکت می کنند. تفاوت «پاران خیابانی» با این عده در اینست که دسته اول به قدرت مردم و ضعف حکومت آگاه شده اند و دیگر ترسی از روبرویی با نیروهای سرکوبگر ندارند. اما، دسته دوم هنوز در توهم قدرت حکومتی و ضعف مردمی گرفتارند. برای تغییر چنین شرایط ذهنی و شکستن این توهم، وظیفه «پاران خیابانی» است که قدم به جلو گذاشته و هنگامیکه دسته دوم در شعار دادن با ایشان همراه می شوند، هر شب برای ساعتی به کوچه و خیابان آمده و با پیاده روی در محل مردم را تشویق به همراهی کنند. چنین اقدامی ممکن است در آغاز چند نفره باشد، اما رفته رفته دیگران نیز به خود جذب کرده و آنها را آماده می سازد تا هنگام فراخوان سراسری، با «پاران خیابانی» به خیابان ها بیایند.

فعالیت تبلیغی: البته این بخودی خود کافی نیست، بلکه همراه با چنین اقدام «تهییجی» باید به اقدامات «تبلیغی» و آگاهگرانه نیز پرداخت. فعالیت ساختار سازی، اول از طریق فعالیت گروه های کوچک، اما پُر انرژی تبلیغات محلی آغاز میگردد. با انتقال اخبار بصورت روزمره، موضوع مبارزات مردمی، موضوع واحدی برای گفتگوی همسایه ها و تشریک مساعی ایشان میشود. با گفتگوی بیشتر و آشنایی با ذهنیت یکدیگر، نزدیکی لازم بوجود میآید. دیوار نویسی های شبانه در محل، احساس مبارزه ی مشترک را در تمامی افراد محل بوجود می آورد و قبل از اینکه خود بدانید، موضوعی پیش پا افتاده، ایشان را متحدانه در مقابل مأمورین و مسئولین حکومتی قرار می دهد. اما، از نقش آگاه گرایانه ی شبانه ها غافل نشوید. ثبات آگاهی سیاسی به مراتب پایدارتر از احساسات جریحه دار شده است. ترکیب آگاهی و احساس، به عمل مبارزاتی ختم می شود.» (پیام هفتم، ۲۳ مرداد ۱۳۸۸) ج- البته از گفته های بالا نباید به این نتیجه رسید که اعلام تظاهرات های سراسری برای رشد و تکامل جنبش انقلابی ارزشمند نمی باشد. بلکه بالعکس، در روزهای تظاهرات های سراسری است که مردم آموزش دیده در مبارزات محلی به گرد هم آمده و شتاب رشد عمومی و توسعه مبارزات و قدرت لاپزال خود را به حکومتیان نشان می دهند. هم چنین در جمع های میلیونی و مبارزه متحدانه قدرت مردم متحد را تجربه کرده و به آن خودآگاهی و اعتماد به نفس لازم برای استقرار حکومت مردمی دست می یابند. بنابراین پیشنهاد ما برای سازماندهی چنین اعتراضات سراسری ای، مانند روز شانزدهم آذر، همانطور که در پیام دهم خود برای برگزاری مراسم روز قدس پیشنهاد کردیم، «ما بدون انکار اهمیت مبارزات گسترده و متمرکز برای آموزش و آماده سازی، باید نیروهای خود را در زمان و مکان و شیوه هایی که آمادگی شان را داریم به درگیری با حکومتیان بکشانیم.

بنابر گفته های بالا ما معتقدیم که فردا، جمعه «روز قدس»، زمانیکه نیروهای حکومتی خود را در مقابل دانشگاه و خیابان و میدان انقلاب متمرکز کرده اند، زمان مساعدی برای تجمع و تظاهرات نیروهای مردمی است. اما، نه در مکان ها و مسیرهای اعلام شده توسط حکومتیان مرتجع و اصلاح طلب! ما باید نیروهای خود را در میادینی متمرکز کنیم که به محله های مسکونی مان نزدیک می باشند تا بتوانیم با حداکثر نیروی ممکن در مقابل حداقل نیروی سرکوبگران روبرو شویم. در مورد چگونگی شکل دادن به صف ها و ... صحبتی نمی کنیم، چراکه در این چند ماهه مردم نشان داده اند که خود مبتکرانه تر از هر کارشناسی توانسته اند در میدان ها تصمیم گرفته و بصورت ماهرانه اجرا کنند. اما خاطر نشان می سازیم که این تجمعات نباید دچار توهومات مبلغان خط مشی «عدم خشونت» باشند. هسته های «پاران خیابانی» باید خود را با انواع ابزار دفاعی تجهیز کنند. نباید گذاشت تا سرکوبگران بدون هیچ مقاومتی پارانیشان را بازداشت کرده و سرکوب کنند. در هر جا که سرکوبگری به جان یک نفر یا گروه می افتند باید فوراً نفرات و گروه های دیگر با تهاجم به آنان به کمک یاران خود بپردازند و با قدرت جماعت خود، آنان را وادار به فرار و عقب نشینی کنند.

یکی از دلایلی که ما پیشنهاد می کنیم در میادین نزدیک به محله های مسکونی خود تجمع کنید اینستکه بیشترین تلفات و بازداشت ها زمان پایان تظاهرات ها و متفرق شدن جمعیت اتفاق می افتد. هنگامیکه متوجه می شوید مردم در حال خالی کردن میدان و رفتن به خانه ها هستند، باقی ماندن در میدان اشتباه است. بلکه باید هر چه سریعتر و منظم تر، به شکل جمعی منطقه را ترک کرده و به محله های خود باز گردید.» (پیام دهم، ۲۶ شهریور ۱۳۸۸) با امید به پیروزی مبارزات انقلابی مردم ایران

مرگ بر جمهوری اسلامی

نان، مسکن، آزادی - جمهوری شورایی

کارگران کمونیست ایران، ۱۸ آبان ماه ۱۳۸۸

اخبار کوتاه

خبرهای شهرستان ها در ۱۳ آبان

بسیاری از شهرستان ها همراه با مردم تهران به اعتراض علیه حکومت دیکتاتوری جمهوری اسلامی پرداختند. باید توجه داشت که با شرایط شهرستان ها و اینکه شناسایی افراد بسهولة انجام می پذیرد بسیار مشکل است و نیاز به شجاعتی مضاعف دارد. در شهرستان هایی که مردم حضور وسیعی نداشتند، بار مبارزه به دوش دانشجویان بوده است. اخبار زیر عمدتاً توسط آژانس ایران خبر مخابره گشته است که رفقای ندانیوز آنها را بنا بر شهرها و ساعات مخابره تنظیم نموده اند.

تبریز

ساعت 11:00 صبح دانشجویان دانشگاه تبریز تجمع اعتراضی خود را همراه و همقدم با سایر شهرهای میهن در روز 13 آبان آغاز کردند، هم اکنون گارد ویژه و نیروی انتظامی در حال سرکوب دانشجویان در جلو دانشگاه تبریز هستند. دانشجویان مقاومت میکنند. روز چهارشنبه در تبریز در حوالی ساعت 11:15 تجمعات مردمی شکل گرفت و مردم در کنار یکدیگر با شعار الله اکبر گرد آمدند، در همان دقایق اول تجمع، نیروهای لباس شخصی به سرعت به مردم حمله کردند و بسیاری از مردم را مورد ضرب و شتم قرار دادند، آنها درکمال ناجوانمردی به زنان و دختران و حشیانه حمله میکردند و هیچ مرزی را در سرکوب به رسمیت نمیشناختند.

درگیریها با نیروهای لباس شخصی به شدت ادامه داشت. بعد از گذشت حدود نیم ساعت از این درگیریها، نیروهای یگان ویژه پلیس به کمک نیروهای لباس شخصی آمده و مردم را دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار دادند. شدت استفاده از گاز فلفل به گونه ای بود که در تمام خیابان های اطراف منتهی به فلکه دانشگاه نفس کشیدن به سختی ممکن بود.

دانشجویان نیز قصد پیوستن به مردم را داشتند که عملاً با توجه به بسته شدن درهای دانشگاه نتوانستند از آن خارج شوند و عده ای از دانشجویان که بیرون از دانشگاه بودند به شدت مجروح شدند.

دانشگاه تبریز در محاصره نیروهای امنیتی قرار داشت و شعارهای الله اکبر و مرگ بر دیکتاتور از داخل دانشگاه به گوش میرسید.

بنا به خبرهای دریافتی اکثر بازداشت شدگان به کلانتری 11 تبریز واقع در نزدیکی محل تجمع منتقل شدند.

تبریز ساعت 14:00: شمارنیروهای سرکوبگر در تبریز غیر قابل بیان است، به جرات میتوان گفت که امروز برای هر يك نفر 10 مزدور لباس شخصی از سوی نظام سرکوبگر تخصیص داده شده است. چند پسر 16، 17 ساله بسیجی سلاح شلیک اشک آور دارند، جمعیت زیادی از مردم در آبرسان تجمع کرده اند، تجمع کنندگان از ساعت 11:19 دقیقه شعارهای ضد نظام را سردادند.

تظاهرات تا در ورودی هتل تبریز هم ادامه داشت که با تنگ شدن پیاده رو، مامورین و بسیجی ها مانند مور و ملخ بین مردم آمدند. یک خانم تقریباً 28 - 30 ساله با یک لباس شخصی شدیداً درگیر شد و بقیه بسیجی ها به طرز وحشیانه ای به سمت وی حمله کرده و وی را به سمت حیاط هتل هل دادند.

افرادی که مشغول به عکس برداری و فیلم برداری از چهره ها بودند (لباس شخصی ها)، به ده ها نفر میرسید.

در چند ثانیه، تمام خیابان پر از موتور سوار، اتومبیل های یگان ویژه و مامورین انتظامی شد.

یک نفر قصد کمک به دوست دیگری را داشت که توسط بسیجی ها دستگیر شد و مستقیماً به سمت چشمانش اسپری فلفل زدند. تا جایی که صدای فریاد آن جوان تا صد ها متر هم به گوش میرسید.

بلافاصله، نیروهای لباس شخصی با هجوم به سمت مردم و مخالفین و معترضین، نزدیک به 8 نفر از جمعیت را به زور باتوم و لگد و اسپری، داخل حیاط هتل بردند و در های ورودی را بستند وضعیت جسمانی آن خانم، و دو نفر از آقایان بشدت وخیم بود.

اصفهان

بیش از 1000 نفر در چهارباغ اصفهان تجمع کرده و شعار مرگ بر دیکتاتور میدهند، نیروی انتظامی با باتوم به جمعیت حمله کرده و به سر و روی مردم میزند. جمعیت متفرق شدند. در حال حاضر نیروی انتظامی این منطقه را گرفته است و تقریباً ما به ازاء هر يك نفر يك نیروی انتظامی است.

اصفهان ساعت 11:40: در این ساعت مجدداً تظاهرات در چهارباغ شکل گرفت، مردم حدود 3-2 هزار نفر هستند که شعار میدهند: مرگ بر دیکتاتور، نیروی سرکوبگر انتظامی هم در این منطقه زیاد است و با باتوم مردم را مورد ضرب و شتم قرار میدهد تا مانع برگزاری تظاهرات گردد اما مردم عزم جزم کرده اند که مقاومت کنند، مردم هم به مقابله برخاسته اند. خیابانهای منتهی به دانشگاه اصفهان و سایر خیابانها بسته شده که تجمعات مردم به هم وصل نشود.

اصفهان سی و سه پل ساعت 14:30: هم اکنون در سی و سه پل جمعیت زیادی از مردم معترض به سمت دروازه شیراز حرکت میکنند، نیروهای سرکوبگر تلاش میکنند آنها را متفرق کنند. امروز مردم اصفهان شدیداً مورد ضرب و شتم نیروهای انتظامی قرار گرفتند و ادامه تظاهرات آنها تحسین برانگیز است.

درشاهین شهر اصفهان درگیریهای پراکنده در پل فردوسی میان مردم و نیروهای سرکوبگر به وقوع پیوست. تعدادی دستگیر شدند. نیروهای انتظامی با باتون و ... بر سر و روی مردم میزدند. وبه شدت مردم را مجروح میکردند.

روز چهارشنبه در اصفهان مزدوران سرکوبگر با قساوت تمام با باتونهای آهنی و پلاستیکی بر سر و صورت وکم مردم میزدند. عده زیادی را دستگیر کرده و به کلانتری سید علی خان بردند. نیروهای سرکوبگر تمامی کسانی که با موبایل در حال عکاسی و فیلمبرداری بودند را بلافاصله دستگیر کردند. از سرنوشت دستگیر شدگان اطلاعی در دست نیست.

شیراز

شیراز ساعت 9:30: درشاهچراغ هزاران نفر جمع شده و شعار مرگ بر دیکتاتور می دهند. بین نیروهای انتظامی و مردم درگیری شده است و میخواهند یکی از زنان آزاده را دستگیر کنند اما جوانان غیرتمند مانع میشوند.

میدان علم شلوغ شده است. در فلکه ستاد جمعیت زیادی جمع شده است و مردم شعار علیه دولت میدهند.

در ساعت 11 صبح روز چهارشنبه در حالی که مراسم حکومتی روز 13 آبان در شاهچراغ تحت تدابیر شدید امنیتی به پایان رسیده بود درمیدان نمازی و الم شیراز حضور بسیار پررنگ نیروهای امنیتی پلیس و لباس شخصی ها دیده می شد که با تجمع مردم در میدان الم و دانشجویان در میدان پردیس ادامه یافت که ناگهان جمعیت مورد هجوم بسیار گسترده بیش از 50 موتورسوار نقاب دار قرار گرفت. بدلیل کوتاهی مسیر و فاصله بین این دو میدان مردم از هر دو طرف در محاصره قرار گرفتند که در اثر آن اقدام به فرار کردند.

حضور لباس شخصی ها که اقدام به تهیه فیلم و عکس از مردم می کردند بسیار مشهود بود. در همین حال تعدادی از دانشجویانی که پلاکاردهای دست سازی به همراه داشتند سریعاً دستگیر شدند که همین امر و مقاومت مردم، درگیری را تشدید کرد. شعار های دانشجویان موجب شلیک هوایی و ضرب و شتم آنان گردید که در این میان بیش از 20 نفر دستگیر شدند که همه توسط نیروهای ضد شورش و پلیس بود و لباس شخصی ها فقط فیلم می گرفتند و تهدید به اسپری و گاز اشک آور می کردند. در اثر حمله ضد شورش به یک دانشجو که مشخص نشد به چه دلیل و با چه وسیله ای بود پیراهن وی پاره و غرق در خون شد که وی توانست از دست ماموران بگریزد. اما یک زخمی دیگر را که با سر و صورت خونین افتاده بود مردم قصد نجات داشتند که با موتور پلیس نقاب دار ضد شورش از محل دور شد. هم اکنون اینترنت جیمیل یاهو و هات میل همگی فیلتر هستند و امکان اطلاع رسانی را از مردم گرفته اند.

ساعت 16:00 الی 17:00 در میدان دانشجو و پارامونت تعداد جماعت تظاهرات کننده خیلی زیاد بود. در شاهچراغ هم تجمع بود. ابتدا مردم طبق قرار به

فلکه علم شیراز رفتند که با توجه به حجم گسترده ماموران سرکوبگر به سمت فلکه دانشجو شیراز رفتند. در آنجا درگیری شد. پلیس ها يك دختر را به طور خیلی وحشیانه ای کتک زدند.

مشهد

در مشهد نیز تظاهرات عظیم 13 آبان در اعتراض به دولت کودتا شروع شده است، هم اکنون فلکه آب و خیابان خسروی شلوغ است و راهپیمایی شروع شده است.

مشهد دانشگاه فردوسی ساعت 1400: نزدیک فلکه پارک خیلی شلوغ شده است، صدای تیراندازی از دانشگاه فردوسی میآید. مردم نگران دانشجویان هستند. نزدیک 500 نفر در دانشگاه آزاد تجمع کردند. همه شعار میدادند مرگ بر دیکتاتور، ما همه با هم هستیم ملت بی شکستیم. در این تجمع تعدادی را دستگیر کردند و باخودشان بردند. تا کنون ازسرنوشت آنها اطلاعی نداریم. از ساعت 12 ظهر هیچ کس بدون کارت دانشجویی اجازه ورود به دانشگاه را نداشت. حرکت دانشجویان از دانشکده فنی مهندسی شروع شد. سپس با گذشتن از دانشکده ریاضی و اقتصاد دانشجویان در جلوی سازمان مرکزی شعار های ضد حکومتی دادند. در دانشکده دندانپزشکی يك سري درگیرهای پراکنده جزئی بین دانشجویان و نیروهای حراست پیش آمد. حضور لباس شخصی ها و نیروهای امنیتی در صحنه زیاد بود. جلوی دانشکده دندانپزشکی مردم از بیرون دانشجویان را همراهی میکردند ولی نیروهای انتظامی آنها را متفرق میکردند. حوالی ساعت 1330 یکسری نفرات دانشجویان بعضاً با لباس و اورکت نظامی که با اتوبوس به دانشگاه آورده شده و سازماندهی شده بودند قصد ایجاد درگیری داشتند که با تهاجم دانشجویان و آوار به عقب نشینی شدند.

نیروهای بسیجی خارج دانشگاه دانشجویان را تشویق میکردند که از دانشگاه بیرون رفته و با بسیج درگیر شوند. نکته قابل توجه اینکه نیروی گارد ویژه و نیروی انتظامی در بیرون از دانشگاه حضور داشتند اما در یکی از خیابانهای اطراف دانشگاه مخفی شده و منتظر خروج دانشجویان بودند اما دانشجویان با هوشیاری از درگیر شدن با آنها پرهیز کردند. در دانشگاه آزاد هم به همین ترتیب دانشجویان اعتراض و راهپیمایی داشتند و تحصن کردند. جلوی دانشکده معماری هم درگیری پیش آمد. در میدان 15 خرداد در نزدیکی حرم نیز که محل اصلی راهپیمایی 13 آبان از طرف دولت اعلام شده بود مردم شعارهای ضد حکومتی سرداده و عده ای نیز دستگیر شدند.

قزوین

بنا بر خبر دریافتی روز 3شنبه 12 آبان دانشجویان دانشگاه بین المللی قزوین در تجمعی اعتراضی بار دیگر فضای دانشگاه را پر شور کردند. صبح 3شنبه و در استانه 13 آبان جمعیت کثیری از دانشجویان دانشگاه بین المللی قزوین با تجمع در مقابل دانشکده فنی و پایه این دانشگاه با فریادی مشترک ندای اعتراض خویش را سردادند. دانشجویان متخصص که در صحن دانشگاه حضور داشتند حمایت خود را از زندانیان دربند اعلام داشتند. دانشجویان با شعارهایی چون "مرگ بر دیکتاتور"، "مذاکرات مخفی، مایه ننگ ملی"، "نجاوز، شکنجه دیگر اثر ندارد و غیره تداوم جنبش ملی را بار دیگر به همگان اثبات کردند. آنها با در دست داشتن پلاکاردهایی که بر روی آنها عکس زندانیان سیاسی قرار داشت و با سر دادن شعارهایی چون: "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" خواستار آزادی عزیزان دربندشان شدند. علاوه بر این، دانشجویان با سر دادن شعارهایی چون: "ما همه یک صداییم، همه خون نداییم"، "دانشگاه پادگان نیست" و بالا بردن عکس شهیدان یاد ایشان را گرامی داشتند.

همچنین برنامه ای به بهانه ی 13 آبان توسط انجمن اسلامی -از تشکل های حامی دولت کودتا- با حضور علیرضا افشار معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت کشور دولت کودتا و معاون وزارت کشور پیشین در این دانشگاه برگزار شد که در این برنامه نیز دانشجویان معترض حضور داشتند. در ابتدای برنامه این تشکل با خواندن بیانیه ای سراسر توهین به دانشجویان بارها توسط دانشجویان هو شد. همچنین دانشجویان با در دست داشتن پلاکاردهایی با عنوان هایی همچون زندانی سیاسی آزاد باید گردد و مرگ بر دیکتاتور و ... طی سخنان افشار به دفعات با شعار های خود صحبت های وی را قطع کردند به طوری که وی بعد از سخنان کوتاهی با حالت قهر سالن آمفی تئاتر را ترک کرد.

رشت

ساعت 1100: امروز حدود 200 الی 300 نفر در مرکز رشت به سمت دانشکده علوم پایه جمع شده بودند که نیروی انتظامی و ماموران سرکوبگر به آنها حمله و آنها را متفرق کردند. مجدداً جمعیت به سمت شهرداری جمع شدند و شعارهای ضد حکومتی دادند اما ماموران سرکوبگر با باتوم برقی به آنها حمله کرده و شدیداً د رکمال بی رحمی مردم را با توم برقی ضرب و شتم کردند.

زاهدان

مردم زاهدان هم همپا با مردم آزاده تهران و سایر شهرهای میهنمان علیه دولت کودتا به پا خواسته اند. در میدان آزادی زاهدان تعدادی از مردم تجمع کرده و دردستشان پلاکاردهایی که حاوی شعارهای ضد نظام و اعتراضی است در دست دارند، همچنین در دانشگاه سیستان دانشجویان دانشکده شیمی حدود 200-300 نفر تجمع کردند

ارومیه

ارومیه ساعت 1200: تعدادی از مردم و دانشجویان در فلکه خیام تجمع کردند، نیروهای انتظامی با آنها درگیر شده و با خشونت مردم را متفرق کردند.

کرمانشاه

صبح امروز چهارشنبه 13 آبان، نظام سرکوبگر در راستای تلاشهای چندین هفته گذشته برای ممانعت از برگزاری تظاهرات 13 آبان در شهرهای مختلف میهن، تعدادی از دانش آموزان بسیجی را با لباس بسیج و چفیه به محل تجمع مقابل آموزش و پرورش برد تا تظاهرات را منحرف و جو را خراب کند که جمعیت مردم کرمانشاه که برای تظاهرات 13 آبان آمده بودند با شعار مرگ بر دیکتاتور / مرگ بر چین / مرگ بر روسیه و خواندن سرود یار دبستانی جو مراسم را تغییر دادند و این ترفند کثیف نظام را نقش بر آب کردند. در تمام مسیر های منتهی به مرکز راهپیمایی بر روی دیوار ها شعار های مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای نوشته شده است و تلاشهای نیروهای مزدور بسیجی که شعارها را خط خطی کرده بودند که دیده نشود هم بی نتیجه بود. امروز همچنین در کرمانشاه تمام کلاس های دانشگاه ها تعطیل اعلام شده بود تا از هرگونه تجمع احتمالی جلوگیری شود.

لاهیجان

لاهیجان ساعت 1300: تجمع مردم از صبح از طرف دانشگاه آزاد و پیام نور لاهیجان برگزار شد، جمعیت حدود 500 نفر بودند مردم علیه حکومت دیکتاتوری شعارهای اعتراضی داده و در خیابان شهدا و خیابان آزادگان تظاهرات کردند. تظاهرات تا ساعت 1300 ادامه داشت.

اهواز

اهواز ساعت 1330: دانشجویان دانشگاه اهواز از ساعت نه صبح تجمع نموده و به شعار دادن علیه احمدی نژاد پرداختند دانشجویان از دانشکده های مختلف دسته دسته در محیط دانشگاه به هم می پیوستند ولی اجازه خارج شدن از دانشگاه را به آنها ندادند. دانشجویان همچنان علیه دولت کودتا شعار میدهند.

بروجرد

دانشجویان دانشگاه بروجرد تجمع اعتراضی برگزار کردند. هم اکنون اوضاع خیلی شلوغ است بسیجها وحشی شده اند و به مردم حمله میکنند. نیروهای مزدور اطلاعاتی مستمراً دوربین به دست از مردم فیلم و عکس می گیرند. اما مردم بروجرد از تظاهرات علیه حکومت مستبد کوتاه نمی آیند.

خرم آباد

خرم آباد ساعت 1430: در جلو مصلاهی خرم آباد تعدادی جمع شده و از بلند گوها شعار مرگ بر آمریکابخش میشود اما مردم معترض خرم آباد هم جواب میدهند "مرگ بر روسیه". جو امنیتی شهر خیلی بالا و بسیج و نیروی انتظامی بیرون ریخته و مستمر کنترل می کنند و اصلاً اجازه فیلم برداری نمیدهند.

ایلام

اوضاع در ایلام شلوغ است و نیروهای امنیتی با تیرهای پلاستیکی دانشجویان را به گلوله بستند. نیروهای سرکوبگر و مزدور کسانی را که فیلم می گرفتند دستگیر کرده و با باتوم به جان مردم افتاده اند. مامورین کوچی به کوچی و خانه به خانه دنبال جوان هایی هستند که در خانه ها پناه می گرفتند.

شوش

صبح امروز دانشجویان دانشگاه آزاد شوشتر تجمع اعتراضی خود در دانشگاه شروع کردند و پس از راهپیمایی در دانشگاه قصد داشتند که تجمع و راهپیمایی را به بیرون از دانشگاه منتقل کنند که با ممانعت نیروهای انتظامی روبرو شدند. سرانجام کار به درگیری انجامید و مزدوران مانع از بیرون آمدن دانشجویان شدند.

سیستان

امروز صبح دانشجویان در دانشکده صنایع سیستان چند بار تجمع کردند و شعار های ضد حکومتی دادند. ماموران سرکوبگر که تعدادشان زیاد بود به سمت دانشجویان حمله کرده و تعدادی از دانشجویان را دستگیر کردند و با خودشان بردند.

بندر عباس

راهپیمایی امروز چهارشنبه 13 آبان در بندرعباس توسط دانش آموزان و دانشجویان انجام شد و این دو قشر پیشتران این تظاهرات بودند، دانشجویان با تجمع مقابل درب دانشگاه آزاد به اعتراض خود ادامه دادند. آنان با در دست داشتن پلاکارد و سر دادن شعار به تجمع خود پایان دادند.

همدان

امروز از ساعت 1200 تا ساعت 1400 دانشجویان در یکی از سالنهای دانشکده علوم پایه دانشگاه همدان دست به تجمع اعتراضی زدند و به دادن شعار علیه مقامات دولتی و اعلام خواسته های خود پرداختند. شدت اعتراض ها و پاکوبیدن های آنها آنقدر زیاد بود که طنین آن در بیشتر کلاسهای دانشگاه پیچید.

کردستان

به رغم همه تدابیر و فشارهای امنیتی، جمعی از دانشجویان دانشگاه کردستان بعد از ظهر روز چهارشنبه 13 آبان ماه اقدام به برگزاری تجمع در دانشکده ادبیات و علوم انسانی این دانشگاه کردند. در این تجمع اعتراضی حدود 200 نفر از دانشجویان شرکت کردند و با شعار مرگ بر استبداد و مرگ بر دیکتاتور مخالفت خود را نشان دادند. این تجمع بخاطر مخالفت و مقاومت شدید مسئولان دانشگاه در محوطه دانشگاه برگزار شد و ماموران لباس شخصی و حراست آن را محاصره کرده بودند. روز چهارشنبه مسئولان دانشگاه با استقرار دستگاههای ویژه، شبکه تلفن همراه محوطه دانشگاه را تا شعاع یک کیلومتری برای جلوگیری از ارتباط تلفنی و انتقال اخبار و رخدادها به خارج از دانشگاه قطع کرده بودند. در حالیکه تلفن های ثابت و همگانی دانشگاه نیز از چند روز قبل به بهانه اختلال قطع شده بود. ماموران حراست با هدایت لباس شخصیها مانع از ورود افراد دیگر و بخصوص خبرنگاران به داخل دانشگاه می شدند و در مقابل اصرار و پافشاری خبرنگاران نیز با آنان با شدت برخورد می کردند. لازم به ذکر است که لباس شخصیها به شدت دانشجویان را بازرسی بدنی کرده و تلفنهای همراه دارای سامانه عکس و فیلمبرداری را توقیف می کردند.

گرگان

در دانشگاه آزاد گرگان تجمع اعتراضی برگزار شد، چند نفر از دانشجویان مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. دست راست یکی از دانشجویان در این حادثه در اثر ضربه باتوم شکسته شد.

بازتاب مبارزات در رسانه های خارجی**بی بی سی: صدها هزار نفر امروز به خیابانها ریختند**

تلویزیون بی بی سی، 4 نوامبر 2009، شبکه جهانی بی بی سی، تظاهرات مخالفان رژیم مسالمت آمیز نبود. دهها هزار و شاید صدها هزار نفر امروز به خیابانها ریختند. پلیس ابتدا تلاش کرد تا آنها را متفرق کند، ولی تعداد مردم آنقدر زیاد بود و پلیس به اتخاذ تاکتیکهای ضد شورش و موضع مهاجم علیه مردم مبادرت کرد. پلیس از گاز اشک آور استفاده کرد، ارتباطات تلفن همراه را قطع کرد و ایستگاههای مترو در مرکز شهر را تعطیل نمود ... تصاویری که به شبکه جهانی بی بی سی رسیده گستردهگی این تظاهرات را نشان میدهد.

سی ان ان: حدود یک میلیون نفر در تظاهرات ضدحکومتی در تهران شرکت کردند

با وجود اخطارها و هشدارهای دولت علیه هرگونه برهم زدن مراسم، هواداران اپوزیسیون این هشدارها را نادیده گرفته و به خیابانها ریختند. منابع سی ان ان در تهران می گویند بیش از 2000 نفر در یک میدان معروف تهران تجمع کرده اند. درگیری و دستگیری نیز گزارش شده است. هزاران و هزاران نفر از مردم، شاید یک میلیون نفر در این تظاهرات شرکت کرده بودند. مخالفان به آتش زدن سطهای زباله پرداختند. پلیس نیز با خشنوت به سوی مردمی که در گوشه پی تجمع کرده بودند، حمله کرد. سی ان ان گفت تصاویری که از تهران و سایر شهرهای ایران از تظاهرات به دست ما رسیده هرگونه تردیدی نسبت به این که اپوزیسیون تحرك و حرارت خود را از دست داده باشد، از بین می برد.... فاکس نیوز: امروز، پلاکاردهایی که جوانان ایرانی نصب می کنند دیگر مرگ بر آمریکا نیست بلکه مرگ بر دیکتاتور است 4 نوامبر 2009- به قلم جودیت میلر (Judith Miller) بنظر می رسد رهبری ایران در این زمان منجمد شده است. حاکمان ایران هنوز آمریکا را برای بسیاری از دردهای کشور سرزنش می کنند. ولی امروز بیشتر ایرانیان دیگر به آنها اعتقادی ندارند. به همین دلیل، این غم انگیز است که اصلاح طلبان شجاع کشور احساس می کنند که به کلی توسط پرزیدنت اوباما رها شده اند. 33 سال از هنگامیکه 52 آمریکایی برای 444 روز در یک بحران گروگان گرفته شدند، گذشته است این بحران به برکناری یک رئیس جمهور آمریکا کمک کرد و محاسبات سیاسی آمریکا در خاورمیانه را واژگون کرد و انجماد دیپلماتیک پابرجایی را بین این دو متحد سابق آغاز کرد در یک مراسم در تهران در یادبود سی امین سالگرد تسخیر سفارت آمریکا، خامنهای آمریکا را با لفاظی قابل توجهی که به روزهای شکوه انقلاب اسلامی برمی گشت، مورد حمله شدید قرار داد. او اتهام زد، آمریکا کماکان شیطان بزرگ است که بطور غیرقابل اعتماد و مشتاقی خواهان دیدن سقوط ایران است

بنظر می رسد خامنهای رهبر عالی ایران اینک منجمد است. حاکمان ایران هنوز آمریکا را برای دردهای کشور سرزنش می کنند ولی امروز بیشتر ایرانیان به آنها اعتقادی ندارند.

به گونهی دیگر صحنه امروز انعکاس 30 سال قبل است، هنگامیکه افراطی ترین عناصر انقلاب از تسخیر سفارت و بحران گروگانگیری استفاده کردند تا کنترل خود را بر نهادهای کشور مستحکم کنند و دولت مدنه تر بازرگان را سرنگون کنند. در آن موقع مانند الان، پلیس ضد شورش و مقامات امنیتی به میدانهای عمومی سرازیر شده بودند و پلاکاردهای اسلامی در خیابانهای تهران برافراشته شده بود.

ولی امروز، پلاکاردهایی که جوانان ایرانی نصب می کنند دیگر مرگ بر آمریکا نیست بلکه مرگ بر دیکتاتور است اشارهیی به خود آیت الله و رژیم سرکوبگرش می باشد که هنوز سعی می کنند تا قدرت را با به حمله دشمنان خارجی، واقعی و فرضی مستحکم کنند.

امروز رژیم اسلامی بیش از هر زمان دیگر شکننده است. یک نارضایتی عظیم در درون و بر علیه این رژیم بر سر انتخابات ساختگی وجود دارد که پرزیدنت محمود احمدی نژاد و خود رژیمش را بر سر قدرت نگه داشته است

در حالیکه مشاورین او با ما حق دارند، راجع به اقدام نظامی بر علیه تاسیسات اتمی ایران هشدار دهند که ممکن است بیشترین کمک را به تقویت یک رژیم ناتوان انجام دهد- که به این رژیم ملی گرایان ایرانی را هدیه می کند- کمک محتاطانه از خارج می تواند در نتیجه آینده سیاسی ایران مقداری اختلاف بوجود آورد. علاوه بر این، هیچ تناقضی بین تلاش برای جلب نظر ایران برای دست کشیدن مسیر تسلیحات اتمی اش ابتدا از طریق گفتگوها از یک طرف و از طرف دیگر سخن گفتن بصورت قویتر در حمایت از ناراضیانی که برای رفرم در مخاطره فردی شدید هستند، وجود ندارد....

خبرگزاری آسوشیتدپرس: پلیس ایران با اپوزیسیون معترضی درگیر شد

4 نوامبر 2009 - روز چهارشنبه نیروهای امنیتی ایران، معترضین ضد دولتی را با باتوم و شلیک گاز اشک آور مورد ضرب و شتم قرار دادند ... هیچ اطلاعات مستقلی در مورد مجروحین و دستگیریها وجود نداشت، اما پرس تی وی دولتی، گفت که هیچکس صدمه ندید . تعیین ابعاد این اعتراضات مشکل بود، اما ظاهراً بطور قابل توجهی، کوچکتر از صدها هزار نفری بود که در هفته های بعد از انتخاب مجدد احمدی نژاد، به خیابانها ریختند ...

تلفنهای موبایل و دسترسی اینترنت بلوکه شده بود. این همان تاکتیکی است که بعد از انتخابات توسط مقامات مورد استفاده قرار گرفت ... ابعاد کامل راهپیمایی های اپوزیسیون بلافاصله روشن نبود. صدها نفر در میدان هفت تیر دیده شدند، که برخی از آنها شعار " مرگ بر دیکتاتور " می دادند، یا بدون سر و صدایی راهپیمایی می کردند و انگشتان خود را بعلامت پیروزی تکان می دادند . وب سایتی اصلاح طلب نیز گفتند که مهدی کروبی، توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفت... غلامعلی حداد عادل، سخنران اصلی و یکی از قانونگذاران تندرو ... رهبران اپوزیسیون را خطرناک برای کشور دانست و گفت ، آنها ادعا دارند که از آرمانهای انقلاب اسلامی حمایت می کنند، اما به دشمنان ایران مدد می رسانند...

دبلی تلگراف: گرایش کنونی پیامها در روی تویتر: "انتخابات ایران"

4 نوامبر 2009... واژه انتخابات ایران در روی تویتر در روز 4 نوامبر مجدداً در صدر لیست موضوعات مورد علاقه تویتر قرار گرفت و این در هنگامی بود که ناآرامی در این منطقه ادامه دارد. کاربران تویتر که در ایران زندگی می کنند گزارشات زنده درگیریها شامل لینکهایی به عکسهای آن در منطقه را روی تویتر میگذارند. دیگر وبلاگهای عمده در سراسر جهان این اخبار را منتشر کرده و گزارشات آنها را مجدداً تویت می کنند . هزاران ایرانی در روز چهارشنبه برای بزرگداشت سی امین سال تسخیر سفارت آمریکا در طی یک تظاهرات دولتی جمع شدند. برخی از فعالین نیز، در منطقه برای مخالفت بر علیه انتخاب مجدد پزیدنت محمود احمدی نژاد گرد هم آمدند .

الجزیره شبکه خبری مستقل مستقر در خاورمیانه گزارش می دهد که " ،تدابیر امنیتی سنگینی برای جلوگیری از فعالین اپوزیسیون از استفاده این رویداد سالانه برای ابراز خشمشان نسبت به دولت بکار گرفته شده بود " .

یک کاربر تویتر می نویسد، "درگیریها اینک در سراسر بسیاری از مناطق تهران می باشد، گزارشات انتخابات ایران مانند همیشه دیوانه وار است ولی پوشش خبری ادامه می یابد..."

تلویزیون الشرقیه: پلیس ایران از گاز اشک آور برای متفرق کردن معترضین استفاده نمود

4 نوامبر 2009 - امروز چهارشنبه پلیس ایران از گاز اشک آور برای متفرق کردن صدها تن از هواداران اپوزیسیون استفاده نمود که تلاش می کردند تا در حاشیه تظاهرات رسمی در سالروز اشغال سفارت آمریکا، تظاهرات کنند. بین نیروهای بسیار زیاد پلیس که در مناطق مختلف تهران مستقر شده بودند با هواداران اپوزیسیون که بار دیگر ضد انتخاب احمدی نژاد دست به تظاهرات زده بودند، درگیری رخ داد . شاهدان عینی گفتند که شماری از تظاهر کنندگان توسط نیروهای امنیتی و بویژه توسط لباس شخصی ها دستگیر شدند و این در حالی است که شمار دیگری نیز مجروح شدند. سایت اپوزیسیون ایران گفت که مهدی کروبی یکی از رهبران اپوزیسیون توسط هواداران دولت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و باعث شد تا وی بالاچار محل تظاهرات را تحت حفاظت محافظین شخصی خود ترک کند. تظاهر کنندگان شعار می دادند الله اکبر ، مرگ بر دیکتاتور ، نترسید نترسید ما همه با هم هستیم. تظاهر کنندگان تلاش کردند تا در میدان 7 تیر که چند متر از محل تظاهرات رسمی در مقابل مقر سابق سفارت آمریکا در تهران است، تجمع کنند. در محل دیگری از تهران و در جاده منتهی به میدان 7 تیر گروه دوم تظاهر کنندگان حضور داشتند که مخالفین و موافقین احمدی نژاد و چهره در چهره هم قرار گرفته بودند. هواداران دولت ایران شعار می دادند مرگ بر آمریکا و در مقابل هواداران اپوزیسیون جواب می دادند مرگ بر روسیه.....

نایمز آنلاین: معترضین با گاز اشکآور مورد حمله قرار گرفتند

4 نوامبر - 2009 به قلم مارتین فلچر - (Martin Fletcher) امروز در تهران، در حالی که نیروهای امنیتی ایران با هزاران تن از فعالین اپوزیسیونی درگیر شدند که تلاش داشتند تظاهرات تحت حمایت دولت به مناسبت سیامین سالگرد تسخیر سفارت آمریکا را مصادره کنند، خشونت‌هایی روی داد . نیروی عظیمی از سپاه پاسداران، پلیس ضد شورش و شبهنظامیان بسیجی با باتون و گاز اشکآور به تظاهر کنندگان حمله کردند. تعدادی دستگیر شدند، و گزارش‌هایی از ضرب و شتم زنان و کودکان وجود داشته است .

همچنین گزارش‌هایی غیر موثقی وجود داشته است مبنی بر اینکه مهدی کروبی، یک رهبر اپوزیسیون و رئیس سابق مجلس، مورد حمله قرار گرفته است، و مادر نذا از جمله دستگیر شدگان است ...

پلیس ضد شورش برای متفرق کردن جمعیت از یکانهای موتور سوار استفاده میکرد. هلیکوپترها در هوا پرواز میکردند. ایستگاههای مترو بسته بودند، و سیستم تلفن موبایل ظاهراً به منظور ممانعت از ارتباط بین تظاهر کنندگان خاموش شده بود. ماشین‌هایی که با به صدا در آوردن بوق خود از معترضین حمایت میکردند مورد حمله قرار میگرفتند .

تلویزیون دولتی تنها عکسهای تظاهرات رسمی ضد آمریکایی در مقابل سفارت سابق آمریکا در مرکز تهران را نشان میداد، که به عنوان "لانه جاسوسی " شناخته میشود. رژیم جمعیت عظیمی را وارد کرده بود، که شعار "مرگ بر آمریکا" و "مرگ بر اسرائیل" میدادند، و عکسهای سمبل آمریکا "عمو سام" را نابود میکردند .

ولی در نقطه‌یی دور از سفارت هزاران ایرانی عادی نسبت به هشدارهای رژیم بیاعتنایی کردند و برای نشان دادن ادامه خودداری خود از پذیرفتن انتخاب مجدد به شدت بحث برانگیز رئیس جمهور محمود احمدینژاد در ماه ژوئن ، به خیابانها ریختند. آنها شامل تعداد زیادی دانشجو میشدند - - نسل مابعد انهایی که در سال 1979 به سفارت آمریکا حمله کردند. آنها شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم" سر میدادند ...

تظاهراتی مشابهی امروز در سایر شهرهای ایران طراحی شده اند .

این رژیم تمام تلاش خود را کرده است تا در 5 ماه گذشته اپوزیسیون را شکست بدهد ...

حتی تا ممانعت از تظاهرات امروز پیش رفت، هشدارهای تنیدی داد مبنی بر اینکه تظاهراتی غیر قانونی خواهند بود و تحمل نخواهند شد. این رژیم دانشجویان فعال را در سراسر دانشگاه‌های ایران دستگیر کرد، به کارفرمایان دستور داد که به کارمندان خود مرخصی ندهند، رسانهها را سانسور کرد و حامیان خود را به پایتخت سرازیر کرد.....

لس آنجلس نایمز: معترضان ضد دولتی با نیروهای امنیتی درگیر شدند، نیروهای دولتی تظاهر کنندگان را مورد ضرب و شتم قرار دادند

4 نوامبر 2009- به قلم رامین مستقیم و بزرو درآگاهی- گزارش از تهران و بیروت- معترضان ضد دولتی و نیروهای امنیتی امروز در مرکز پایتخت ایران در سی امین سالگرد اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان افراطی، درگیر شدند . نیروهای امنیتی در میدان هفت تیر و خیابان حافظ در مرکز شهر تهران گاز اشک آور شلیک کردند .

نان، مسکن، آزادی - جمهوری شورائی

در میدان ولی عصر نیروهای مسلح امنیتی جمعیتی از تظاهرکنندگان را به محاصره خود درآوردند که شعار می دادند مرگ بر دیکتاتور و با استفاده از توصیف رسمی محوطه سابق سفارت آمریکا بعنوان لانه جاسوسی، شعار می دادند، روسیه لانه جاسوسی است
 نوارهای ویدئویی آماتوری که در روی اینترنت گذاشته شده است هزاران معترض را نشان می دهد که زباله ها را برای دفع تاثیر گاز اشک آور به آتش کشیده اند و رانندگانی را که در حال رد شدن بودند را نشان می دهد که در حمایت از آنها بوق می زدند .
 وب سایتهای خبری اصلاح طلب گزارش دادند که در دانشجویان دانشگاههای تهران در سرپیچی از نیروهای امنیتی که در ورودی محوطه دانشگاهها مستقر بودند به خیابانها ریختند....

دوپیچه وله: اعتراض غرب به سرکوب تظاهرات ۱۳ آبان

دوپیچه وله ، 4 نوامبر 2009 - کاخ سفید واشنگتن، وزیر خارجه فرانسه و رئیس حزب سبزهای آلمان، نسبت به سرکوب معترضان در روز 13 آبان واکنش نشان دادند . کاخ سفید آرزو کرد که خشونت در ایران تشدید نشود. رئیس حزب سبزهای آلمان با مردم ایران اعلام همبستگی کرد .
 کاخ سفید واشنگتن، در نخستین ساعات بعد از ظهر چهارشنبه (13 آبان) با ابراز نگرانی نسبت به اوضاع ایران ابراز امیدواری کرد که دامنه خشونت در ایران گسترش نیابد. برنارد کوشنر وزیر خارجه فرانسه نیز در تماس با خبرنگاران از این که پلیس در تهران به تظاهرکنندگان حمله کرده است ابراز تاسف کرد. وی گفت: "این اقدام، به وجهه دولت ایران آسیب بیشتری وارد می کند. دولتی که در داخل به نیروهای داخلی فشار می آورد و در خارج نیز از سیاست گفت و گو می پرهیزد".

خانم کلاودیا روت رئیس حزب سبزهای آلمان، بعد از ظهر چهارشنبه (13 آبان) با صدور بیانیه ای، ادامه اعتراضات را نشانه بحرانی دانست که رهبری غیردموکراتیک ایران به آن دامنه زده است .

بحران رهبری غیردموکراتیک

بیانیه رئیس حزب سبزهای آلمان چنین آغاز می شود: "اعتراضات بدون وقفه و گسترش یابنده در ایران، ابعاد بحرانی را نشان می دهد که رهبری غیردموکراتیک ایران کشور را به کام آن کشانده است. رهبری کشور به تهدید و فشار متوسل می شود و شرایط باز هم بحرانی تر می شود. ما با همه قربانیان و آسیب دیدگان سرکوب در ایران همدردیم و همبستگی داریم".
 در ادامه بیانیه آمده است: "چندین دهه است که روز 13 آبان به عنوان روز دانش آموز و پس از آن روز اشغال سفارت آمریکا در تهران با بسیج دولتی جشن گرفته می شود. اکنون، بسیاری از زنان و مردان ایرانی می خواستند داوطلبانه در این حرکت شرکت کنند تا بار دیگر به رئیس جمهور، رهبر مذهبی خامنه ای و همه متقلبان انتخاباتی و کودتاچیان نشان بدهند که رهبری کشور در میان مردم و جاهت قانونی ندارد".

اعتراض زیر فشار

رئیس حزب سبزهای آلمان، در دنباله بیانیه خود می نویسد: "به رغم همه هشدارها و تهدیدهای مسئولان امنیتی ایران، حرکت انجام شد. پیش از هرچیز، در تهران مردم تصمیم گرفتند برای نشان دادن قدرت اعتراضات خود، به مراسم رسمی بپیوندند، زیرا مسئولان امنیتی همه امکانات دیگر اعتراض را زیر فشار شدید گرفتند".

خانم روت در اعلام همبستگی با مردم ایران می نویسد: "ما با همبستگی در کنار همه زنان و مردان ایرانی ایستاده ایم که از آزادی و حق شهروندی خود استفاده می کنند و خواستار انتخابات آزاد و عادلانه هستند. ما، همبستگی خود را با همه فعالان دانشجویی، مدافعان حقوق زنان، روزنامه نگاران، زندانیان سیاسی، قربانیان محاکمات نمایشی و همه فرهنگ سازانی که با صدای بلند به دولت غیرقانونی نه می گویند، اعلام می کنیم".
 در بخش پایانی بیانیه، رئیس سبزهای آلمان بر این نکته تاکید می ورزد که خواست رعایت حقوق بشر در ایران، کم اهمیت تر از نگرانی بر سر برنامه هسته ای این کشور نیست.

دبلی تلگراف: تظاهرات کنندگان ایران با پلیس درگیر شدند

4 نوامبر 2009- يك گزارش تأیید نشده ادعا کرد که پلیس گلوله واقعی [مرگبار] علیه تظاهرات کنندگان استفاده کرده و چندین تن را مجروح کرده است . شاهدان در ابتدا گفتند که نیروهای امنیتی از باتون استفاده کردند تا تظاهرات کنندگانی که علیه دولت در میدان مرکزی پایتخت راه پیمایی می کردند را پراکنده کنند. تظاهرات از سوی اپوزیسیون با تحریم راهپیمایی از سوی دولت مقارن بود .
 هزاران ایرانی در ابتدا شروع به يك راهپیمایی پر سر و صدای ضدآمریکایی در مرکز تهران کردند که در سالگرد اشغال سفارت آمریکا در 30 سال پیش توسط دانشجویان بود .

پرزیدنت باراک اوباما در این اثنا در بیانیه بی سالگرد این رویداد را که حرقه 3 دهه خصومت بین آمریکا و ایران را زد گفت که جمهوری اسلامی اکنون "بایستی انتخاب کند" که آیا می خواهد درب را برای فراغت و آبادانی باز کندکمتر از يك مایل آن طرفتر در میدان هفت تیر، پلیس ضد شورش مسلح به باتون و گاز اشک آوردر حالی وارد شد که چند صد تن از حامیان اپوزیسیون تلاش می کردند تا يك تظاهرات ضد دولتی بر پا کنند .
 شاهدان گفتند که تظاهرات کنندگان که شعار "مرگ بر دیکتاتور" سر می دادند از متفرق شدن امتناع می کردند دهها تن از آنها مورد ضرب و شتم قرار گرفتند

فرانس پرس: بازداشت گزارشگر فرانسوی

خبرگزاری فرانسه (AFP) در ایران دستگیر شده است. روز پنجشنبه (۱۴ آبان/ ۵ نوامبر) خبرگزاری فرانسه این خبر را اعلام کرده است. فرهاد پولادی روز چهارشنبه دستگیر شد. در گزارش خبرگزاری فرانسه در این مورد به نقل از رئیس دفتر این خبرگزاری در تهران، جی دشموخ (Jay Deshmukh) آمده است: «فرهاد پولادی در حال تهیه گزارش از تظاهرات بود که سه مأمور او را متوقف کردند و با خود بردند. دو نفر از آنان اونیفورم به تن داشتند، یکی دیگر با لباس شخصی بوده است.»
 جی دشموخ همچنین گفته است که از دیروز صبح تا کنون از خبرنگار دستگیر شده اطلاعی در دست نیست.

شعار ننگین «اوباما، اوباما، یا با اونا، یا با ما»

متاسفانه در جریان تظاهرات 13 آبان، عده ای شعار ننگین بالا را سر دادند. از محتوای شعار داده شده مشخص است که گروه های سازنده ی این شعار از کسانی هستند که از مبارزات انقلابی مردم ایران در هراس می باشند و خواهان دخالت نیروهای قدرتمند جهان سرمایه داری برای حل مشکلاتی است که باعث این مبارزات گشته است. متاسفانه دوستان شعار دهنده ی ما نیز در این توهم هستند که گویا هیئت حاکمه ی آمریکا در بی طرفی به سر می برد و اگر به مذاکرات خود با حکومت دیکتاتوری جمهوری اسلامی ادامه می دهد، به علت سر در گمی و ندانم کاری اوباما، رئیس جمهور آن کشور است. در صورتیکه اصلاً چنین نیست. منافع سرمایه داری جهانی حکم می کند که در ایران حکومتی با ثبات بر سر کار باشد که بتواند مبارزات انقلابی مردم را به نفع سرمایه داران سرکوب کند تا سرمایه داران جهان بتوانند سرمایه های خود را از بازارهای بحران زده به بازارهای یکر آسیای میانه منتقل سازند. بازارهای آسیای میانه از جهت برای سرمایه داران خارجی مهم اند که با داشتن منابع فراوان طبیعی و کارگران ارزان، همرا با نزدیکی به سوخت لازم برای گرداندن چرخ های تولیدی، می توانند به ارزش افزوده ای چند برابر دیگر بازارها دست یابند. بخصوص هنگامیکه این کشورها همراه با دیگر کشورهای خاورمیانه بزرگ، بازار فروش میلیارد نفره ی دیگری را در دسترس ایشان قرار می دهند. اما، ایران بخصوص در میان چنین بازاری دارای اهمیت مضاعف است. اولاً که دارای نفت و گاز مورد نیاز کارخانه های آنان در این مناطق است. ثانیاً به این علت که راه های ارتباطی آن با بازارهای اروپایی از طریق راه آهن و ترابری جاده ای، و همچنین بازارهای خاور دور، از طریق بنادر و خلیج فارس برای کشتیرانی مهیا و آماده است و نیازی به سرمایه گذاری های کلان و درازمدت عمرانی ندارد. ثالثاً، دارای نظام سرمایه داری متمرکز (انحصاری) و سیستم بانکی گسترده ای است که قابلیت تبادل و انتقال حجم بالای پول را دارد. رابعاً، دارای جمعیت بسیار بالای تحصیل کرده هایی است که با حقوق های حداقلی می توانند از ایشان برای مراکز منطقه ای خود استفاده ببرند. و مهمتر آنکه، نظام حکومتی مرکزی آن بسیار قدرتمند می باشد که می تواند سرمایه های ایشان را در تمامی نقاط کشور حفاظت کرده و امنیت سرمایه گذاری شان را تضمین نماید. پس، کاملاً محرز است که سرمایه داری جهانی، بویژه در حال

حاضر، امپراتوری دلار، نیاز فراوانی به ایجاد ثبات در ایران دارد. ثباتی که نظام سرمایه داری انحصاری آن و اقتدار حکومت مرکزی آن را دست نخورده باقی بگذارد. به همین علت نیز، ماه ها قبل از کودتای جناح نظامی - امنیتی، دولت اوپاما تماس های مستقیم و مذاکرات خود را با ایشان آغاز کرده بود. آگاهان سیاسی معتقدند که ماه ها قبل از روی کار آمدن اوپاما، هیئت حاکمه آمریکا خود را برای گفتگو با جناح نظامی - امنیتی آماده می کرده است و «دزدیده شدن» (!!) عناصر کلیدی سپاه پاسداران در عراق برای ایجاد تماس مستقیم با این جناح بوده است. نامه نگاری های اوپاما با خامنه ای، چند روز قبل از وقوع کودتا، در همان روزهای نخست فاش شد. آمریکا آماده بود تا با اعلام نتایج انتخابات، با هر دولتی که سر کار بیاید و بتواند گروه های دیگر را از کارشکنی در پیشبرد مذاکرات ایران و آمریکا باز دارد، وارد گفتگو و برقراری مناسبات شود. و این حکومت مسلماً می بایستی جناح نظامی - امنیتی و خامنه ای می بود. چرا که هر حکومت اصلاح طلبی با کارشکنی ایشان روبرو می شد. همانطور که کارشکنی ایشان برای هشت سال دولت خاتمی را زمین گیر کرده بود. تنها واقعه ای که می توانست جلوی قرارها و مذاکرات اوپاما را با دولت کودتاچیان بگیرد، همین مبارزات انقلابی توده ها بود که هیچیک از طرفین انتظارش را نداشتند و در مقابلش کاملاً غافلگیر شدند. پس به دوستان متوهم خود می گویم که این شعار تنها بیانگر نادانی و توهم ایشان نسبت به سرمایه داری آمریکا است. حکومت آمریکا ماه ها قبل از مبارزات ما طرف «آنها» را گرفته بود. این شعار، در عمل به نفع سرمایه داران اروپایی است که خواهان جلوگیری از صمیمیت بیش از اندازه ی دولت اوپاما با ایران هستند. در شماره ی بعدی نظری به اختلاف سلیقه آمریکا و اروپا در مورد ایران می اندازیم و عوامل مؤثر در آن را توضیح می دهیم.

فعالان کارگری را زندانی می کنند

متاسفانه علیرغم تلاش فعالان انقلابی کمونیست، باز هم جای شرکت مستقل و متشکل کارگران در تظاهرات 13 آبان خالی ماند. البته ما هم انتظار معجزه نداشتیم. بالاخره هنوز یک ماه نشده است که پس از شوک های اولیه ای که مبارزات گسترده مردمی علیه دیکتاتوری حکومت جمهوری اسلامی، آنهم پس از سی سال، بر ایشان وارد کرد، رفته رفته به وظیفه ی خود در قبال طبقه کارگر بیدار شوند. فقط چند روز به برگزاری مراسم 13 آبان مانده بود که برخی از این فعالان برای تبلیغ موضع صحیح طبقاتی با صدور بیانیه و پخش اعلامیه هایی، از کارگران دعوت به شرکت مستقل و متشکل در این مبارزات نمودند. از جمله ی این رفقا می توان از "کمیته همبستگی برای تشکیل اتحادیه کارگران ساختمانی" نام برد که طی اعلامیه ای کارگران را به شرکت در تظاهرات 13 آبان نموده و شعارهای سیاسی و صنفی مشخصی برایشان تعیین نمودند. امیدواریم که این رفقا گزارشی از فعالیت های خود (با حفظ اصول امنیتی) ارائه داده و تجربه گرانقدر خود را در خدمت جنبش کارگری و کمونیستی قرار دهند. البته تعدادی از کمیته های همبستگی در خارج از کشور هم بیانیه ای صادر کردند که بیشتر جنبه ی حمایتی داشت تا کارایی میدانی. اما این اقدام ایشان نیز بیانگر آنست که حداقل مواضع بعضاً مرتجعانه و فرصت طلبانه ی برخی از سازمان ها و احزاب درگیر در این نهادها به نفع مبارزات انقلابی مردمی تغییر یافته است. هراس حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی از ورود طبقه کارگر در شکل مستقل طبقاتی اش (البته نسبی، چرا که تا تشکیل حزب سیاسی طبقه کارگر نمی توان سخن از استقلال طبقه کارگر کرد) در مبارزات سیاسی جاری باعث گشته است تا فشار مضاعفی بر فعالان کارگری وارد آورد. خبرهای رسیده حاکی از صدور احکام زندان برای فعالان شرکت کننده در مراسم اول ماه مه 1388 در پارک لاله و نمایندگان سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه می باشد. خوشبختانه این فعالان نیز با پذیرش شجاعانه ی احکام خود نشان داده اند که حتی احکام زندان نیز نمی تواند عزم ایشان را نسبت به پیشبرد مبارزات کارگری متزلزل نماید.

در این خبرها آمده است که آقایان قربان علیپور و محمدحیدری مهر بعدازاینکه خود را به دادگاه شهرستان شوش معرفی کردند از طریق شعبه اجرای احکام دادگاه به زندان شهرستان دزفول منتقل شدند. تادرنکار دیگر یاران خود یعنی آقایان فریدون نیکوفرد و جلیل احمدی دوران زندان خویش راسپری نمایند. لازم بذکر است که آقای قربان علیپور به ششماه حبس تعزیری و ششماه حبس تعلیقی و آقای محمدحیدری مهر به چهارماه حبس تعزیری و هشت ماه حبس تعلیقی محکوم شدند. همچنین تا به حال از دو حکم صادر شده علیه فعالان کارگری آقایان محمد اشرفی از کمیته پیگیری به یکسال حبس تعزیری و مهدی آمیزش به 40000 تومان جریمه نقدی، خبر دار شده ایم که با اعتراض ایشان می بایست به دادگاه تجدید نظر برود. گزارشات دیگری نیز بر خورد سروکوبگرایانه حکومت سرمایه داری با فعالان انجمن های صنفی معلمان و فرهنگیان می باشد. طبق این گزارشات، بیش از ۱۲ نفر از اعضای کانون صنفی معلمان که قرار بود به مناسبت روز جهانی معلم در منزل علی اکبر باغانی، دبیر کل این کانون جمع شوند توسط مامورین امنیتی بازداشت شدند. اسامی ۱۲ نفر از افراد بازداشت شدگان عبارت است از: علیرضا جوادی، علی اکبر باغانی، محمود بهشتی لنگرودی، محمود دهقان آزاد، اسماعیل عبدی، مهدیه بهلولی، آقای نیک نژاد، خاتون بادپر، مجتبی قریشیان، عباس معارفی، محمد نوری و آقای جوادیپور. این منبع از احتمال بازداشت دیگر اعضای کانون صنفی معلمان خبر داد ولی درباره افرادی که احتمال بازداشت آن ها وجود دارد اظهار نظری نکرد. همچنین از بازداشت محمد رضا رضایی گرکانی عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان تهران توسط نیروهای امنیتی بیش از یک هفته می گذرد اما همچنان از سرنوشته وی اطلاعی در دست نیست. این فعال صنفی علاوه بر عضویت در این کانون یکی از مسئولان سایت خبررسانی کانون صنفی معلمان ایران نیز قلمداد می شود.

بدین ترتیب می بینیم که طبقه کارگر ایران، بیش از هر طبقه و قشر دیگر اجتماعی در زیر فشار دیکتاتوری حکومت سرمایه داری قرار دارد و طبیعتاً بیشترین منافع را در شرکت در مبارزات سیاسی و ضد دیکتاتوری دارا می باشد. خوشبختانه توهم بسیاری از فعالان کارگری نسبت به ضرورت درگیری طبقه کارگر در مبارزات سیاسی علیه حکومت سرمایه داری، که تا قبل از مبارزات انقلابی مردمی بر ایشان غالب بود فرو ریخته است. امیدواریم نتیجه ی این خودآگاهی و فعالیت حول این محور، باعث شود تا فعالان کارگری و انقلابیون کمونیست بتوانند به حضور مستقل و متشکل طبقه کارگر در مبارزات انقلابی علیه سرمایه داری و حکومت شان عینیت بخشند.

کارگران نی بر هفت تپه اعتصاب می کنند و فعالان سندیکایی به زندان می روند

مهمترین اخبار کارگری این هفته مربوط به کارگران نیشکر هفت تپه می باشد. دیروز، سه شنبه 19 آبان ماه، کارگران نی بر این شرکت براز دریافت پاداش سالیانه بهره ور مجبور به اعتصاب گشتند. اعتصاب این کارگران زمانی اتفاق می افتد که 5 نفر از نمایندگان سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از طرف بی دادگاه سرمایه داری به تحمل حبس محکوم شده اند که اینک 4 نفر از ایشان در زندان دزفول زندانی می باشند. آقای علی نجاتی که نفر پنجم از این گروه می باشد، طی نامه ی سرگشاده ای اعلام نمود که تا چند روز دیگر، ایشان نیز به احتمال بسیار قوی به جمع همکاران خود خواهد پیوست. او در این نامه نوشته است: « ما برای به دست آوردن حقوق خود و دفاع از مطالبات بر حق کارگران هفت تپه و به دست آوردن کمترین امکانات معیشت و حقوق انسانی تلاش کرده ایم. اما ما محکوم و زندانی می شویم. ما در چند روز پیش نیز نامه ای سرگشاده به سازمان جهانی کار نوشتیم و رونوشت آن را به تمام نهاد های کارگری و حقوق بشری و رسانه ها، ارسال کردیم. ما میدانیم که آنها از بی حقوقی که بر کارگران ایران تحمیل میشود با خبر هستند. میدانیم که قرار نیست کسی جز خود کارگران به داد خودشان برسد. اما ما اتمام حجت کردیم و از آنان پرسیدیم که آیا بخیبرید؟ آیا اقدامی خواهید کرد؟ میدانیم که نتیجه، اقدام موثری از سوی آنان نخواهد بود. ما میدانیم که ایجاد تشکل های مستقل کارگری حق مسلم کارگران است. در حالی که کارفرماها آزادانه تشکل دارند. کارگرانی که تشکل های مستقل کارگری خود را بنا میکنند محکوم و زندانی میشوند. ما اعتقاد داریم به جز تلاش های خود کارگران و اتحاد و همبستگی میان آنان، ما کارگران موفق نخواهیم شد به خواسته ها و مطالبات خود دست یابیم.»

در ادامه نامه، آقای نجاتی از تمامی کارگرانی که در دوران بیکاری از وی و خانواده اش حمایت های مالی کرده بودند تشکر کرد و اعلام داشت که اینک بغیر از او 4 نفر دیگر نیز در زندان به سر برده و خانواده شان در مضیقه مالی بسر می برند و اعلام داشت که برای جمع آوری کمک حساب مخصوصی باز شده است و پیشاپیش از کمک کنندگان به این حساب تشکر کرده است. این فعال کارگری همچنین اعلام داشته که زندان رفتن ایشان به معنای ترک مبارزه و تعطیلی سندیکای نخواهد بود و ایشان در بند سرمایه داران نیز به فعالیت های خود ادامه داد و به امور سندیکایی رسیدگی خواهند کرد. لازم به ذکر است که بسیاری از کمیته ها و جمع های فعالان کارگری از جمله کمیته پیگیری و جمعی از کارگران ایران خودرو حمایت خود را از این فعالان اعلام نموده و دستگیری ایشان و تمامی کارگران و فعالان زندانی کرده و خواهان آزادی فوری ایشان شده اند. امیدواریم که این حمایت ها بر

خلاف گذشته از حالت رسمی و معنوی به تظاهر عینی و مادی نیز ارتقا یابد.

دیگر خبرها از مبارزات کارگران

خبرهای دیگری از جامعه کارگری نشاندهنده ی سر ریز شدن تحمل کارگران از فشارهای اقتصادی و استثمار سرمایه داران دارد. **کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران در اعتراض به پرداخت ۸ ماهه مطالبات معوق تجمع کردند.** بر مبنای این گزارشات، کارگران این کارخانه به رغم تهدید استانداری (بخوانید «اطلاعاتی») که هرگونه تجمع و یا حرکت اعتراضی در بیرون کارخانه را منع کرده اند، برای چندمین بار صورت می پذیرد. مشکل این کارگران علاوه بر عدم پرداخت حقوق های معوقه، تعطیل شدن کارخانه و بیکاری ایشان می باشد. همچنین در گزارشی از گیلان، در اعتراض به مشکلی مشابه با کارگران صنایع مخابراتی، **تعداد زیادی از کارگران کارخانه کنفکار رشت** پیش از ظهر امروز با دست داشتن پلاکاردهایی نسبت به عدم پرداخت حقوق و دستمزد خود در مقابل استانداری تجمع اعتراض کردند. کارگران حاضر در این تجمع از مسئولان استانداری میخواستند تا کارخانه کنفکار را بازگشایی کرده و به مشکلات فراوان اقتصادی و خانوادگی ده ها کارگر بلا تکلیف پایان دهند. گفته نماند که کارگران شرکت های لوله سازی اهواز و چینی البرز و ده ها کارخانه دیگر که هفته ی پیش خبر از تحركات اعتراضی ایشان دادیم در اقصا نقاط ایران ادامه دارد.

از بازداشتیان ۱۳ آبان چه خبر؟

مبارزه مردم ایران علیه دیکتاتوری حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی در روز ۱۳ آبان نیز چون همیشه دارای هزینه های سنگینی برای جنبش انقلابی مردمی داشت. نهادهای رسمی حکومتی تعداد بازداشتیان را فقط ۱۰۹ اعلام کرده بودند که این دروغ محض است. شاهدان عینی از میدان هفت تیر، بازداشت بیش از صد نفر را در درگیری های آن روز، تنها در همان نقطه گزارش کرده اند. همچنین تعداد بازداشت شدگان خیابان آزادی در بعدازظهر آن روز نیز بسیار سنگین گزارش شده است. همچنین، در حالیکه نیروهای حکومتی، کودتاچی و اصلاح طلب، گزارشی در مورد زخمی ها و کشته شدگان آن روز ارائه ندادند، اما منابع بیمارستانی خبر از زخمی شدن ده ها نفر و حداقل قتل دو نفر می دهند. از میان بازداشت شدگان بخصوص در مورد بانوان و دانشجویان بازداشت شده ابهامات فراوانی وجود دارد. هنگامیکه خانواده های بازداشت شدگان هیچ اطلاعاتی در مورد همسران و خواهران خود ندارند، قوه قضاییه و مسئولان دیگر حکومتی نیز از ارائه هرگونه خبری در مورد ایشان خودداری می کنند. پس از پایان تظاهرات شایع شد که زنان بازداشت شده را به زندان خورین ورامین انتقال داده اند. همچنین، شایعاتی در مورد انتقال ایشان به بند معتادین و متادونی های زنان در اوین نیز به گوش می رسد. در صورتیکه رییس سازمان های زندان های تهران، سهراب سلیمانی، فوراً این خبر را رد کرده، اما در مورد اینکه ایشان در کدام بازداشتگاه و یا زندانی بسر می برند، چیزی نگفته است. عزیزالله رجبزاده، فرمانده نیروی انتظامی تهران، با غیر قانونی خواندن تجمعات معترضین در آن روز، افزوده برای ۶۲ نفر پرونده قضایی تشکیل شده که از این تعداد ۴۳ نفر مرد و ۱۹ نفر زن هستند و بقیه افراد دستگیرشده با قرار کفالت آزاد شدند.

پایان بحران اقتصاد سرمایه داری جهانی دروغ است

در حالیکه بارها از طرف روسای کشورهای غربی پایان بحران اقتصادی جهان سرمایه داری اعلام شده است، اما هر روز خبرهای جدیدتری از وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی در همین کشورها به گوش می رسد. از جمله این خبرها فقیرتر شدن مردم کشورهای بریتانیا و آلمان است. دوپچه وله (صدای آلمان) طی دو خبر جداگانه از شرایط بسیار بد اقتصادی مردم در کشورهای آلمان و بریتانیا گزارش داده است. در گزارش اول با عنوان «سوپخانه های مردمی، پانوقی برای نیازمندان» گفته می شود که ۱۳ درصد از مردم آلمان در زیر خط فقر بسر می برند. در این خبر گفته می شود که تعداد بسیاری از مردم که با کمک های دولتی روزگار می گذرانند نیز قادر به دستیابی به اساسی ترین نیازهای زندگی نیستند. همچنین این گزارش خبر از آغاز به کار افتادن آشپزخانه هایی است که از طرف خیران بخش خصوصی بویژه هتل و رستوران داران برپا گشته است تا حداقل یک غذای گرم در روز را به تعدادی از این فقرا برسانند. در گزارش بعدی این خبرگزاری از انگلستان آمده است که مدتها بود مردم آن کشور از خوردن غذای سنتی و ارزان قیمت آن دیار که شامل ماهی و سیب زمینی سرخ کرده می باشد روی گردانده و به جای چنان خوراک پر چربی به غذاهای سالم تر و البته گران قیمت تر روی آورده بودند. اما با آغاز بحران اقتصادی جهانی، اینک، بار دیگر فروش این خوراک ارزان قیمت رونق یافته و در سال ۲۷۶ میلیون پرس از این غذا بفروش می رسد. خبرهای کذب حکومت های سرمایه داری از پایان دوران بحرانی زمانی برجسته تر می گردد که گزارش سالبانه سازمان تغذیه جهانی (فائو) تعداد گرسنگان جهان را بیش از یک میلیارد نفر اعلام می دارد. به گزارش این سازمان بین المللی بیشترین تعداد گرسنگان در مناطق آسیایی و اقیانوس آرام به سر می برند. همچنین، گزارشات رسیده از چهارمین نشست توسعه کشورهای اروپایی که در ماه اکتبر در استکهلم برگزار شد، از بدهی های سرسام آور کشورهای اروپایی خبر داده است که برای بازگرداندن رونق به بازارهای راکد خود مجبور به ارائه ی وامهای سنگین تر به کشورهای در حال توسعه و بخصوص در زمینه های عمرانی شده اند. در اینجا باید تذکر دهیم که «وامهای» کشورهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه به شکل اعتبارهایی است که کشورهای گیرنده ی وام را ملزم به بستن در قرارداد با کشور های وام دهنده می کند و در حقیقت، کشورهای اروپایی با بدهکار تر کردن کشورهای وام گیرنده، به توسعه ی بازار مصرف کنندگان کالاهای صنعتی و خدماتی سرمایه داران خود می پردازند.

ادامه ... انقلاب ۱۹۱۷ اکتبر: ...

لمس است. در مقابل ناسیونالیسم خونین بورژوازی و وحشیگری جنگ جهانی اول، طبقه کارگر در مقابل آن از مبارزه جهانی و همبستگی اش استفاده کرد.

" سوسیالیسم بدون همبستگی جهانی پرولتاریا وجود ندارد" این چکیده پیام نیرومند و روشنی از برنامه انقلابی بود که کارگران کارخانه های آلمان آنرا تبلیغ میکردند. پیروزی قیام اکتبر در ۱۹۱۷ و بدنبال آن بیم از گسترش انقلاب در آلمان، بورژوازی را وادار کرد که در عرصه جهانی حمام خون براه اندازد. طبقه حاکم با تضادهای امپریالیستی درونی خود که ۴ سال آنها را تکه پاره کرده بودند، اما در مقابل گسترش موج انقلابی اختلافات بین خود را کنار گذاشتند و با یکدیگر برای به شکست کشاندن امواج خروشان انقلاب با هم متحد شدند.

امواج انقلابی در قرن گذشته نقطه اوجی بود، بمثابه دستاوردهای شگرف بشریت پیشرو که تا کنون بدان دست یازیده بود. در مقابل ناسیونالیسم و جنگ، در مقابل استثمار و سیه روزی دنیا سرمایه داری، پرولتاریا چشم انداز دیگری را میتواند در مقابل جامعه قرار دهد: انترناسیونالیسم و همبستگی توده استثمار شوندهگان. موج انقلاب ۱۹۱۷، قدرت طبقه کارگر را به نمایش گذاشت. برای اولین بار یک طبقه استثمار شده این شجاعت و توانایی را پیدا کرد که قدرت را از دست طبقه استثمار گر خارج سازد و آغازی باشد برای نسج و گسترش انقلاب جهانی پرولتری. ولی انقلاب خیلی زود به شکست انجامید و در برلین، بوداپست، تورین، پرولتاریای روسیه و جهان برای این شکست دردناک باید بهای سنگینی می پرداخت. به طور مثال با استقرار ضد انقلاب استالینیستی و ابعاد فاجعه بار جنگ جهانی دوم و تمام بربریتی که از آن زمان تا کنون ادامه دارد، برغم همه اینها، بورژوازی نتوانسه است این رخداد عظیم تاریخی و درسهای گرانبهائی که برای طبقه کارگر در پی داشته است، آنرا از حافظه تاریخی بشریت بویژه پرولتاریا پاک کند. ابعاد شرم آور دروغهای زیادی که بورژوازی در باره انقلاب اکتبر اشاعه داده نشان دهنده هراس بورژوازی از واقعیات سترگ و دورانساز این واقعه تاریخی است. خاطرات عظیم اکتبر برای پرولتاریا تداعی گر این امر مهم است، که سرنوشته بشریت در دست اوست. و او این توانائی را دارد که این وظیفه بزرگ تاریخی را به سرانجام برساند. و انقلاب جهانی بیش از هر زمان دیگری آینده را نمایندگی می کند.

* این مطلب در نودمین سالگرد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در سایت جریان کمونیست بین الملل (ICC) منتشر گشته است.

آیا می دانید رقابت در هرم قدرت بر سر چیست؟

ن. ن.

اگر واقعاً می خواهید بدانید دعوای جناح های حکومتی بر سر چیست، نباید به صفحات سیاسی روزنامه ها که محل جنگ زرگری ایشان است رجوع کنید. در آن صفحات، دو طرف، یکدیگر را به چیزهایی متهم می کنند که هیچکدام در دوران زمامداری شان اجرا نکرده اند. مثلاً پاسخگویی به مردم، یا آزادی زندانیان سیاسی، و یا سرکوب مبارزات و مردمی و حقوق بشر و ... برای یافتن اینکه دعوای این حضرات بر سر چیست، خواننده باید به بخش های اقتصادی رفته و به عنوان هایی مانند، «قرارداد چند هزار میلیاردی مخابرات»، «قرارداد چند میلیارد دلاری عمران چاه بهار»، «شصت میلیارد دلار از درآمد دولت کجاست؟» و امثالهم توجه کند. آری! دعوای جناحین حکومتی بر سر صندلی اولین مقام اجرایی دولت، قرار گرفتن در جایگاهی است که بتوانند چنین قراردادهای و امکاناتی را به طرف انحصارهای خود سرازیر سازند. در طی مناظرات دوره ریاست جمهوری دهم، دیدیم که هر دو طرف برای افشاگری از اینگونه سوء استفاده ها از مقامات سیاسی رقیب خود، با توشه ای پر آمده بودند.

جدیدترین موضوع، میلیاردها میلیارد تومانی است که قرار است بدون هیچگونه کنترلی زیر عنوان « طرح حذف یارانه ها» و «یارانه های هدفمند» به دست احمدی نژاد و جناح نظامی - امنیتی حاکم بیافتد. اشتباه آقایان به حدی است که حاضر نیستند که درآمدهای ناشی از مابه تفاوت قیمت ها را طبق مقررات لایحه بودجه مصرف کنند. اگر می خواهید بدانید که این به چه معنا است، یعنی اینکه لایحه بودجه سال جاری که با کسری چند تریلیون تومانی تصویب شده است، جداسازی و اضافه درآمد های میلیاردی ای که از بالا بردن قیمت بنزین و گندم و دیگر کالاهای سوپرسیدی و یارانه ای به دولت می رسد، زیر نظر دولت بدون هیچگونه نظارتی، در جایی خرج خواهد شد که خودشان می خواهند. در صورتیکه با طرح مجلس و پیوند دادن این درآمدها به بودجه سال جاری، حداقل کسری بودجه را تا حدودی کاهش خواهد داد. چرا که 50 درصد این درآمدها قرار است بصورت نقدی به خانوارهای پرداخت شود. البته «هدفمند» بودن آن به معنی پرداخت آن به خانوارهایی است که در مقابل دریافت مقرری خود، حاضر به حمایت از جناح نظامی - امنیتی باشند. اما 50 درصد دیگر قرار است صرف بالابردن تولید و قراردادهای عمرانی شود. که این هم به معنی پرداخت آن به کارخانه ها و مراکز تولیدی ای است که به جناح نظامی - امنیتی وابسته اند. و قراردادهای عمرانی نیز به همین صورت با شرکت هایی بسته خواهد شد از همین جناح هستند.

آقای احمدی نژاد زیر بار این طرح نرفته و مجلسیان را به پس گرفتن این طرح هدفمند کردن یارانه ها تهدید نموده است. این بدین معناست که دولت احمدی نژاد می خواهد علاوه بر قراردادهای تصویب شده در قانون بودجه جاری، قراردادهای جدیدی را به شرکت های وابسته به جناح نظامی - امنیتی بدهد و جیب های گشاد ایشان را با تریلیون ها تومان بیشتر از پول مردم پر تر کند. اما مخالفت توکلی و دیگران نیز به معنی حمایت ایشان از حق نظارت مردم و مجلس بر این «درآمدها» نیست. یعنی توکلی و دیگران با مطرح نمودن چنین محدودیتی، به جناح نظامی - امنیتی می گویند که خواهان سهم بیشتری از این معاملات می باشند. تهدید احمدی نژاد در پس گرفتن لایحه به جناح توکلی و دیگران حامل این پیام است که اگر درخواست سهم بزرگتر از آن چیزی که جناح نظامی - امنیتی آماده ی پرداختش به ایشان می باشد، بکنند، همان را هم نخواهند گرفت. خواهیم دید که نهایتاً مجلسیان به خواست دولت تمکین خواهند نمود. چرا که از طرفی با یک جناح مسلح طرفند، و از طرف دیگر در صورت مقابله با خواسته های ایشان از سهم شدن در این درآمدها محروم خواهند شد. تازه، این پاسخ نظامی - امنیتی ها به جناح های دیگر اصولگرا است. جناح اصلاح طلب که دیگر تکلیفش معلوم است و اگر بتواند پشت گوشش را ببیند، در چنین ارقامی سهم خواهد بود.

پس می بینید که مشکل جناح اصلاح طلب با کودتاجی، دست یافتن به چنین ارقام کلانی است که فعلاً به جیب انحصارات نظامی - امنیتی می رود و خورده ریز آن هم از طرف دیگر جناح های اصولگرا جمع می شود و چیزی به کاسه ی اصلاح طلبان نخواهد رسید. درآمدهای ناشی از «طرح حذف یارانه ها» فقط بخش کوچکی از درآمدهای حکومتی است. مطمئناً خوانندگان ما در مورد مواردی چون خرید شرکت مخابرات به مبلغ 7 هزار و 800 میلیارد تومان، واریز نشدن 10 میلیارد دلار آمریکایی (برابر با 10 هزار میلیارد تومان) به حساب ذخیره ارزی در سال 86، 34 میلیارد و ششصد میلیون دلار (برابر با 34 هزار و 600 میلیارد تومان) برداشت از حساب ذخیره ی ارزی در سال 87، و هزاران قرارداد متوسط و کوچک که به تریلیون ها (هر تریلیون=1000 میلیارد) تومان دیگر بالغ می شود شنیده اند که تمامی آن به جیب شرکت های انحصارهای جناح نظامی-امنیتی و دیگر اصولگرایان ریخته شده و اصلاح طلبان از آن محروم مانده اند. این همه فقط جزئی از درآمدهای مردم ایران است که اینگونه به جیب سردمداران قدرت و ثروت ریخته می شود و هر جناحی که در رأس قدرت اجرایی قرار گیرد، اکثر قریب به تمام آن را به جیب گروه های نزدیک به خود خواهد ریخت. اکثریت مجلس نیز می تواند خرده ریزها را جمع کند. اما جناح های بیرون شده از قدرت، تقریباً به هیچ چیز نخواهند رسید مگر آنکه نقش پیمانکاری دست و دوم و سوم این معاملات را بازی کنند. حالا متوجه شدید که دعوای بر سر چیست؟

«بسوی انقلاب»

را بخوانید و در میان

مردم پخش کنید!

«بسوی انقلاب» هفته نامه سیاسی -

تبلیغاتی کارگران کمونیست ایران

maktabema@maktabema.net

http://www.maktabemarx.net

تماس با ما:

آدرس اینترنتی:

انقلاب ۱۹۱۷ اکتبر: وقوع انقلاب پرولتری ضرورتیست اجتناب ناپذیر! *

در گفتگوهایی که معمولاً با جوانان داریم، آنان بر این واقعیت تاکید دارند، اوضاع روز به روز وخیم تر میشود. فقر و جنگ افزایش می یابد، شرایط زندگیمان بدتر می شود و آینده جهان مورد تهدید قرار گرفته است. در مقابل این اوضاع باید اقدام عاجلی صورت بگیرد، ولی چه اقدامی؟ یک انقلاب؟ اما این یک تخیل بیش نیست، این امریست غیر ممکن!

بین ماه مه سال 1968 و دوره حاضر تفاوت بسیار بزرگی وجود دارد. در سال 1968 اندیشه انقلابی همه جا حضور داشت، درحالیکه بحران فشارهای خود را تازه آغاز کرده بود. اما امروز ورشکستگی نظام سرمایه داری برهمگان آشکار گردیده است، ولی بر عکس تردید بزرگی در مورد امکانپذیر بودن تغییر دنیا وجود دارد. ترمهایی از جمله "کمونیسم" "مبارزه طبقاتی" در این دوره تبدیل به روایاتی شده اند متعلق به زمانهای دیگر. حتی بحث پیرامون وجود طبقه کارگر و بورژوازی و کشمکش دائمی بین این دو طبقه، از سوی محافل بورژوائی بمثابه عقب گرد اجتماعی تلقی میشود.

بسیار خوب در برابر ایجاد این شک و تردیدها، یک پاسخ انکارناپذیر وجود دارد. که ما آنرا در واقعیت های تاریخی می توانیم پیدا کنیم. 90 سال پیش پرولتاریا عملاً اثبات کرد که انسان میتواند بطور واقعی دنیا را تغییر دهد. انقلاب اکتبر در روسیه، بزرگترین حرکت توده ای استمارشوندگان تا کنون می باشد، تحولات اکتبر در واقع نشان داد که انقلاب نه تنها لازم است بلکه امکان پذیر می باشد!

1 - نقطه قوت انقلاب اکتبر 1917: تکامل آگاهی....

طبقات حاکم دائماً مشغول اشاعه دروغهایی در باره انقلاب اکتبر، مبنی بر این که "توهم دیگر به پایان رسیده است" و اینکه آن "اشتباه فاحش کمونیسم" بوده و این ها تبلیغاتی هستند که در انموقع رواج داده میشوند. و گفته می شد که انقلاب فقط یک کودتا بوده است. و اینکه لنین جاسوس امپریالیسم آلمان بوده و اراجیفی از این قبیل. بورژوازی انقلاب کارگری را به عنوان یک عمل جنون آمیز اجتماعی می داند. بعنوان یک بی نظمی محض که به پایانی دهشتناک می انجامد. ایدئولوژی بورژوازی قادر به درک این موضوع نیست که طبقه استثمار شده می تواند در دفاع از منافع طبقاتی خود دست به قیام بزند. حرکت و تعرضات اجتماعی، همبستگی آگاهانه، اکثریت استثمارشوندگان، در عرف و فرهنگ جامعه بورژوا انوپی غیر طبیعی بشمار میرود.

ولی بر خلاف میل وارده طبقات حاکم سرمایه، طبقه ما در 1917 عملاً موفق شد که به صورت جمعی و آگاهانه بر علیه این سیستم غیر انسانی قیام کند. طبقه کارگر به بورژوازی نشان داد که او نه تنها حیوانی باربر، حرف شنو نیست که باید فقط کار کند. بر عکس رخدادهای انقلابی جلوه ای باشکوه و غیر منتظره از توانائی های طبقه کارگر را به نمایش گذاشت، بدینسان که انرژی و خلاقیت طبقه کارگر را رشد و اعتلاء بخشید و تغییرات انقلابی در آگاهی جمعی طبقه بوجود آورد. جان رید این دوران پر تلاطم انقلابی زندگی طبقه کارگر را در طول سال 1917 چنین توصیف میکند.

تمام روسیه یاد گرفت که درباره سیاست، اقتصاد و تاریخ بخواند، زیرا طبقه نیاز به دانش و یادگیری داشت و این تشنگی وافر که مدتها جلوی آن گرفته شده بود با شروع انقلاب سیراب شد. به طور مثال از طرف موسسه اسمولنی هر روزه به مدت 6 ماه گاری ها و واگن های مملو از کتاب در تمام نقاط روسیه توزیع میشد. و هم چنین سخنرانی ها یی در میادین شهرها و روستاها، در سنگرها سازماندهی میشد. در اغلب سخنرانی های پرشور مورد تحسین قرار میگرفتند، به طور مثال در یکی از همین سخنرانی ها که با حضور 40000 تن از کارگران کارخانه پوتیلوف ترتیب داده شده بود. به سخنرانی های سوسیال دمکراتها، سوسیالیست های انقلابی، آنارشئیستها و سخنران های دیگر گوش میدادند بدون اینکه متوجه گذشت زمان گردند. در طی ماه های متوالی به طور مثال در سنت پترزبورگ و در تمام روسیه و در هر گوشه از خیابانها تبدیل به تریبون عمومی شده بود، درراههای ترامواها، در قطار ها همه جا به طور خود جوش بحث در می گرفت و پیشنهاد اینکه سخنرانی ها کوتاه شود از طرف کارگران رد می شد و هر کس می توانست به طور آزاد اندیشه هایش را بیان کند"

"دمکراسی" بورژوائی در اکثر مواقع در باره موضوع "آزادی حق بیان؛ صحبت می کند در صورتی که تجربه به ما آموخته است که آنچه را که او به عنوان مقولات بالا به ما تحمیل می کند چیزی جز فریب، نمایش و شستوی مغزی نیست. "آزادی بیان" واقعی آن چیزی است که توده های کارگر با عمل انقلابی خود کسب می کنند.

"در هر کارخانه و هر محل کاری، در هر شرکتی، در هر اداره ای، حتی در جاهای دور افتاده، افکار انقلابی موجب تحولات زیادی در جامعه گردید. همه جا سخنرانان در باره اتفاقاتی که افتاده بود توضیح میدادند، همه جا و همه کس می توانست از کارگران پیرامون اتفاقاتی که افتاده بود حقیقت را پرسد مسائلی از قبیل: تجربه، انتقاد، رشد خود و پیشرفت توده ها از درون، اینها رخدادهای و مکانیسم عمیقی بودند که جانی برای برخورد های سطحی نداشت. این پدیده های بسیار اساسی و تعیین کننده برای یک جنبش انقلابی که پروسه ای از آگاهی است می باشد.(جان رید)"

تحولات انقلابی که در پی انقلاب اکتبر بوقوع پیوست، حاصل درک جمعی و آگاهانه از مبارزه طبقاتی پرولتاریای روسیه بود. توانائی طبقه کارگر برای اینکه بطور جمعی و آگاهانه وارد مبارزه شود، عملی معجزه آسا و ناگهانی نبود، بلکه آن ثمره مبارزات بسیار عمیق، طولانی و حساب شده ای بود که انقلاب اکتبر را خلق کرد. مارکس طبقه کارگر را اغلب با موش کوری مقایسه می کند که آهسته آهسته راهش را از طریق زیر زمین می کاود تا یکدفعه و بطور غیر منتظره ای در مسافتی دور تر به هوای آزاد می رسد. در قیام اکتبر 1917، تاثیرات تجارب کمون پاریس سال 1871 و انقلاب 1905، مبارزه سیاسی اتحادیه کمونیستها، بین المل اول و دوم، جناح چپ زیمروالد، اسپارتاکیستها در آلمان، و حزب بلشویک کاملاً روشن بود. انقلاب روسیه مطمئناً پاسخی در مقابل جنگ، گرسنگی و وحشیگری تزاریسم در حال احتضار بود، اما همچنین و بخصوص پاسخی آگاهانه بود که توسط جنبش پرولتری جهانی متداوم هدایت می گردید. قبل از این قیام پیروزمند کارگران روسیه، مبارزات بزرگی همچون مبارزات سالهای 1898، 1902، انقلاب 1905 و مبارزات 1912-1914 را پشت سر گذاشته بودند.

تجارب مبارزات کارگران در روسیه مانند قطب نمائی است که راه پیشروی را نشان میداد. از اینرو "لازم بود که نه بر روی هر توده بی تفاوت بلکه بر روی توده کارگران سنت پترزبورگ و کارگران روسی بطور عموم محاسبه میشد که انقلاب 1905، قیام مسکو در ماه دسامبر در همان سال را تجربه کرده بودند، و لازم بود که در میان این توده، کارگرانی یافت شوند که در مورد تجربه انقلاب 1905 تعمق کرده و چشم انداز انقلاب را با خود حمل کرده باشند و اینکه دوازده ها بار روی مسئله توده بطور عمیق فکر کرده باشند"

بدین ترتیب انقلاب اکتبر 1917 نقطه اوج یک پروسه طولانی از آگاهی توده های کارگری است که در آستانه قیام منجر به یک فضای رفیقانه در میان کارگران گردید. این شور و فضا تقریباً در عبارات ترسکی قابل رویت است:

"توده ها این نیاز را احساس می کردند، که با هم متحد باشند، هر کسی برای دیگری نمونه بود، و همه جا با شور و هیجان هرچه بیشتری می دیدند که برغم تفاوتهایی که با هم داشتند چگونه درراه رسیدن به اهدافشان با هم مساعی و هم فکری میکنند (...).

ماههای اخیراً زندگی پر تب و تاب سیاسی، رهبران ساده بسیاری را شکل داد، هزاران نیروی واقعی را پرورش داد، که معتقد به سیاست از پایین و از

درون خودشان می دیدند و آنها این استعداد را داشتند که وقایع و مردم را به طور چشمگیری مورد ارزیابی قرار دهند. بر خلاف سخنرانان تحصیل کرده که همیشه این استعداد را دارا نبودند.

توده مردم بیش از این کسانی را که شک داشتند، مردد یا بی تفاوت بودند در درون خود تحمل نمیکردند. آنها می خواستند که همه را در درون صفوف خود جای داده، به طرف خود بکشانند، متقاعد کنند و با خود همراه کنند. کارخانجات با همدیگر گروههایی از نمایندگان خود را به جلو جبهه فرستادند. سربازان در سنگرها با کارگران و دهقانان مناطق ساحلی نزدیک متحد شدند. در شهرهای نزدیک جبهه، سخنرانیها، جلسات، و کنگره های بیشماری برگزار میشد جایی که سربازان و ملوانان عملیاتشان را با عملیات کارگران و دهقانان هماهنگ میکردند: بدین ترتیب حتی بخش عقب مانده نزدیک جبهه که در منطقه روسیه سفید قرار داشت به طرفداری از بلشویسم بر خاستند." (ترتسکی)

به دلیل اوج یابی مباحثات، کارگران موفق شدند که سربازان و دهقانان را با خود همراه سازند. انقلاب 1917 همزمان با این واقعیت وجودی که پرولتاریا، استثمار شده، و طبقه انقلابی، فقط زمانی خودش را می تواند رها سازد که قدرت آن را داشته باشد که به طور جمعی و آگاهانه عمل کند. تنها امید به آزادی توده های استثمار شده مبارزه انقلابی پرولتاریا است. سیاست بورژوازی همیشه در خدمت منافع یک اقلیتی از جامعه است. سیاست پرولتاریا مدافع منافع کل جامعه میباشد و در خدمت همه بشریت قرار دارد.

« طبقه استثمار شده و ستمکش (پرولتاریا) دیگر نمیتواند از یوغ طبقه استثمارگر و ستمگر (بورژوازی) رهائی یابد مگر آنکه در عین حال تمام جامعه را برای همیشه از قید استثمار و ستم و مبارزه طبقاتی خلاص کند. (مقدمه انگس بر مانیفست)»

2- تکامل سازمانیابی طبقه کارگر

با اوج گیری بحث و گفتگو ها، گرایش به حرکت و تفکر جمعی در میان کارگران تشدید گردید، از طریق شوراهای (شوراهای کارگران) آنچنان شکل سنجیده ای به خود گرفت که به کارگران این امکان را میداد که مبارزاتشان را با همبستگی طبقاتی، متحدانه و بطور سازمانیافته به پیش ببرند. شورای سنت پترزبورگ روز 22 اکتبر را به عنوان روز قیام اعلام کرد؛ در همه محلات و کارخانجات، گردهمایی ها و جلسات برگزار میشد و متفقاً اعلام میداشتند: " کرتسکی باید برود" و " همه قدرت به دست شوراهای" این خواست فقط بلشویک ها نبود، بلکه همه پرولتاریای سنت پترزبورگ بود که برای قیام تصمیم گیری می کرد و آن را به اجرا درمی آورد. ابعاد این حرکت انقلابی آنقدر با شکوه بود که کارگران، خدمتکاران، سربازان، و عده بیشماری از سواره نظام، زنان، بچه ها آشکارا تعلقشان را با قیام اعلام میکردند.

" پیش از آنکه قیام صورت بگیرد، تاریخ دیگری تعیین گردید: 25 اکتبر. این تاریخ در یک جلسه مخفی تعیین نگردید، بلکه بطور علنی و درملاء عام اعلام گردید. انقلاب پیروزمند می بایست همانطور که از قبل تعیین شده بود یعنی در 25 اکتبر (6 نوامبر مطابق با تقویم روسی) صورت می گرفت. تاریخ شاهد زیادی از شورش ها و انقلابات در سراسر جهان بوده و از سر گذرانده است. اما بیهوده است که ما در پی یک قیام دیگری از طبقه تحت ستم باشیم که از قبل و در انتظار عموم در یک زمان معین اعلام شده، و در همان روز تعیین شده به پیروزی رسیده باشد. از این لحاظ و جنبه های بسیاری انقلاب نوامبر بی همتا و غیر قابل مقایسه می باشد." (ترتسکی)

برای اینکه انقلاب اکتبر فقط محدود به شهر سنت پترزبورگ نباشد، در سراسر روسیه شوراهای فراخوان به تسخیر قدرت، و یا خودشان به عملی کردن این فراخوان اقدام کرده و قیام را در همه جا به پیروزی رساندند. بلشویکها بخوبی آگاه بودند که انقلاب فقط کار حزب یا فقط کار کارگران سنت پترزبورگ نیست بلکه کار تمامی پرولتاریا است. رخدادهای مهم نشان داد که لنین و ترتسکی حق داشتند وقتی که مطرح کردند که شوراهایی که خود جوش از اعتصابات 1905 بیرون آمدند " نهایتاً شکل تکامل یافته تر دیکتاتوری پرولتاریا" را نمایندگی میکنند. این تشکل واحد طبقه مبارز بعنوان یک کل از طریق جلسات مستقل و مرکزی که قابل انتخاب، و در هر لحظه قابل عزل می باشد نمایندگی می شد. در سال 1917، با علنی شدن آن در سراسر روسیه یک نقش اساسی و تعیین کننده در گرفتن قدرت سیاسی ایفا کرد، در حالیکه اتحادیه ها هیچگونه نقشی در این مورد نداشتند.

در کنار شوراهای یک شکل دیگر تشکیلات طبقه کارگر که نقش اساسی و مهمی در پیروزی قیام داشت حزب بلشویک بود. در حالیکه شوراهای به طبقه کارگر این امکان را می داد که بطور جمعی مبارزه کنند، حزب فراکسیون بسیار آگاه و مصمم آنرا نمایندگی می کرد. نقش حزب این بود که بطور فعال در مبارزات شرکت کند و آگاهی طبقاتی را به شکل وسیع و عمیقی ارتقاء دهد. و به شیوه تعیین کننده ای (با شعارها) به فعالیتهای طبقه جهت دهد. این توده ها بودند که قدرت را به چنگ آوردند، شوراهایی که تشکیلات آنها را تضمین می کرد، اما حزب طبقه بمنانه یک اسلحه ضروری در این نبرد بود. در جولای 1917 این حزب بود که طبقه را از یک شکست قطعی نجات داد. در اکتبر 1917 این حزب بود که توده ها را در کسب قدرت سیاسی سازماندهی و هدایت کرد. انقلاب اکتبر به عینه نشان داد که حزب نمی تواند و نباید جایگزین شوراهای شود. هنگامی که وظیفه اش این است که رهبری سیاسی را در مبارزه برای کسب قدرت سیاسی چون دیکتاتوری پرولتاریا بعهده بگیرد معنایش این نیست که خودش قدرت را در دست بگیرد. حزب مجاز نیست قدرت را بوسیله اقلیتی در دست گرفته و هدایت کند، هر چند اقلیتی آگاه و فداکار باشد، بلکه بوسیله پرولتاریا و بوسیله تنها ارگانیکسی که او را بعنوان کل می تواند نمایندگی کند یعنی شوراهای. در این باره، انقلاب در روسیه تجربه دردناکی را پدید آورد، زیرا حزب بتدریج حیات بالنده شوراهای کارگران را مسدود کرد. در سال 1917، نه لنین نه بلشویکها، نه اسپارتاکیست ها در آلمان، هیچکدام از آنان افق روشنی نسبت به وقایع آن دوران نداشتند. و قانداً هم نمی بایست داشته باشند، زیرا نباید فراموش کرد که انقلاب اکتبر 1917 اولین تجربه قیام کارگری بود که به وقوع پیوست.

3- انقلاب جهانی متعلق به همین دوران است که با مبارزه طبقاتی آینده رقم خواهد خورد

" انقلاب روسیه جزئی از ارتش سوسیالیستی جهانی محسوب میگردد و پیروزی انقلاب ما بستگی به پیشروی این ارتش دارد. این یک حقیقت مسلم است و ما نباید از آن غافل شویم (...). پرولتاریای روسیه با آگاه بودن به این مهم به تجربه و شناخت دریافت که اگر انقلاب در انزوا قرار گیرد شکست آن حتمی خواهد بود. یکی از شروط اساسی و اولیه پیروزیشان، شکل دادن به یک جنبش انترناسیونالیستی پرولتری از طریق ایجاد اتحاد طبقاتی میباشد، که در پیوند با کارگران کشورهای مختلف سرمایه داری پیشرفته متحقق میگردد." (از کنفرانس کمیته های کارخانه 1918). برای بلشویکها کاملاً روشن بود که انقلاب روسیه تنها اولین گام در جهت گسترش انقلاب جهانی بود. قیام اکتبر 1917 در واقع پیش فراول یک موج انقلاب جهانی بود. پرولتاریا آنچنان مبارزاتی را به پیش برد که در موقعیتی قرار گرفت که می رفت طومار طبقه سرمایه داری روسیه را برای همیشه در هم کوید. در 1917 در سرتاسر روسیه قدرت را از بورژوازی گرفت. بین سالهای 1918 و 1923 حملات متعددی در مهمترین کشورهای اروپایی از جمله آلمان به اجرا در آورد. این امواج انقلابی خیلی سریع خودش را در همه نقاط جهان توسعه داد. علیه استثمارکنندگان و به جنگ علیه آنها پرداختند: از ایتالیا تا کانادا، از مجارستان تا چین.

این وحدت و اراده عملی شورانگیز طبقه کارگر در سطح جهانی امری تصادفی نبود. این احساس مشترک که همه متعلق به یک طبقه هستند و در راستای آرمان واحدی یک مبارزه را به پیش می رانند، واقعیت مادی پرولتاریا را متجلی می ساخت. صرفنظر از کشوری که طبقه کارگر آن در زیر یوغ استثمارستمرگزار رنج می برد، اما او در برابر طبقات حاکم و سیستم استثمارگری واحدی قرار دارد. این طبقه استثمارشونده زنجیری را تشکیل میدهد که در سراسر قاره ها گسترده است، هر پیروزی یا شکست یکی از قسمتهاش، بطور اجتناب ناپذیری کل آن را مورد اصابت قرار میدهد. بر همین اساس تئوری کمونیستی از همان آغاز، تاکید بر همبستگی همه کارگران جهان داشت و این امر را در رأس اندیشه های اساسی پرولتاریا جهانی قرار داد. شعار " کارگران جهان متحد شوید!" شعار مانیفست کمونیست بود که بوسیله مارکس و انگلس مطرح گردید. این شعار بر این مهم تاکید داشت که کارگران میهن ندارند. انقلاب پرولتری، تنها انقلابی است که میتواند به استثمار سرمایه داری و هر شکل استثمار انسان از انسان پایان دهد، متحقق شدن این رخداد تاریخی و سترگ فقط در عرصه جهانی امکان وقوع دارد. و این موضوع در سال 1847 با قدرت زیادی متجلی گردید.

" انقلاب کمونیستی بویچوجه یک انقلاب ملی نیست بلکه انقلابی است که همزمان در همه کشورهای متمدن بوقوع خواهد پیوست (...). و آن به همان اندازه بر روی بقیه کشورهای دنیا تأثیر بسزائی خواهد داشت و تغییراتی کامل و سریع در شیوه ای که این کشورها تا کنون بوسیله آن خودشان را تکامل داده اند خواهد داشت. این انقلاب یک انقلاب جهانی است و لذا در سطح جهانی به وقوع خواهد پیوست" (انگلس اصول کمونیسم)

ابعاد جهانی موج انقلابی در سالهای 1910 تا 1920 ثابت کرد که بین الملل پرولتری، یک ایده انتزاعی و عالی و زیبا نیست، بلکه واقعیتی عینی و قابل

...ادامه در صفحه سیزدهم ۱۳